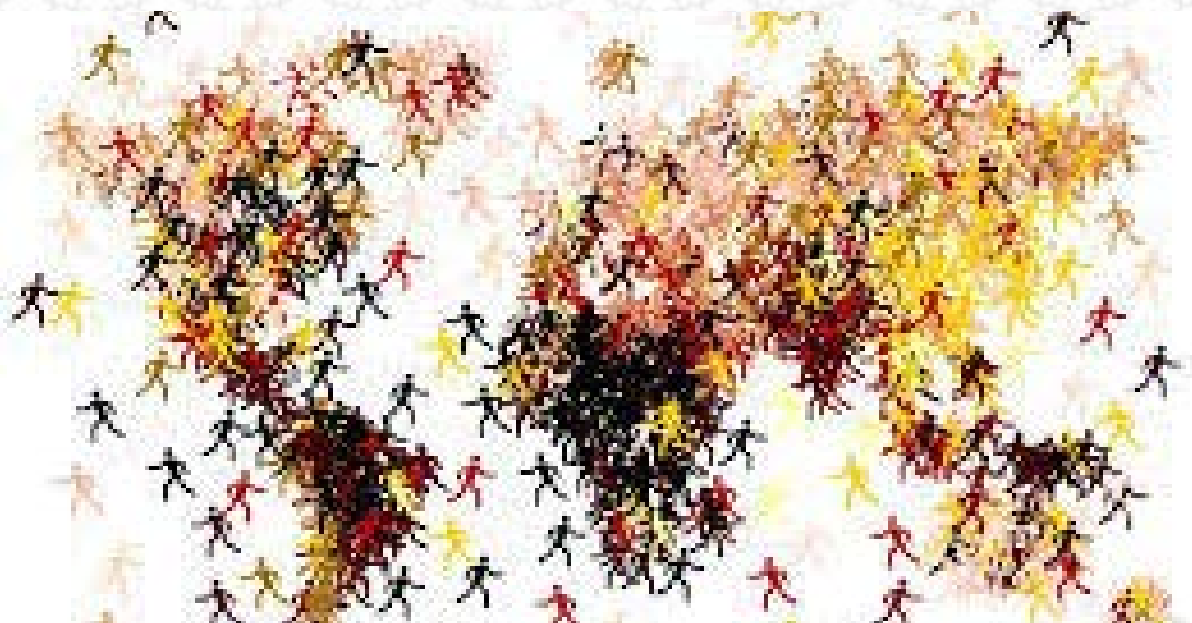


مروری بر تجارب جهانی در بهره‌گیری از ظرفیت جوامع دور از وطن (دیاسپورا) در نظام حکمرانی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ انتشار:

۱۴۰۴/۱۱/۷

شماره مسلسل:

۲۱۳۹۱



مرکز پژوهش‌های
مجلس شورای اسلامی

عنوان گزارش:

مروری بر تجارب جهانی در بهره‌گیری از ظرفیت جوامع دور از وطن (دیاسپورا) در نظام حکمرانی

نوع گزارش: طرح / لایحه □ راهبردی ■ نظارتی □ پیش‌نویس قانونی □

نام دفتر:

مطالعات حکمرانی (الگوها و ابزارهای حکمرانی)

تهیه و تدوین:

نسترن محمدحسینی (گروه الگوها و ابزارهای حکمرانی)

مدیر مطالعه:

حیدر نجفی رستاقی

ناظر علمی:

مهدی عبدالحمید

ناظر علمی خارج از مرکز:

علی اصغر پورعزت (عضو هیئت علمی دانشگاه تهران)

اظهار نظر کنندگان:

محمدعلی اشراقی جزء (دفتر مطالعات حقوقی)، نسترن پیرکفاش فومنی (دفتر مطالعات مدیریت)،
مهرشاد غفاری زاده (دفتر مطالعات سیاسی)

گرافیک و صفحه آرایی:

سیده فاطمه ابوطالبی

ویراستار ادبی:

زهرا کریمی

واژه‌های کلیدی:

۱. ایرانیان خارج از کشور
۲. جوامع دور از وطن
۳. دیاسپورا
۴. مهاجرت
۵. سیاستگذاری مهاجرت

تاریخ شروع مطالعه:

۱۴۰۴/۰۳/۰۱



فهرست مطالب

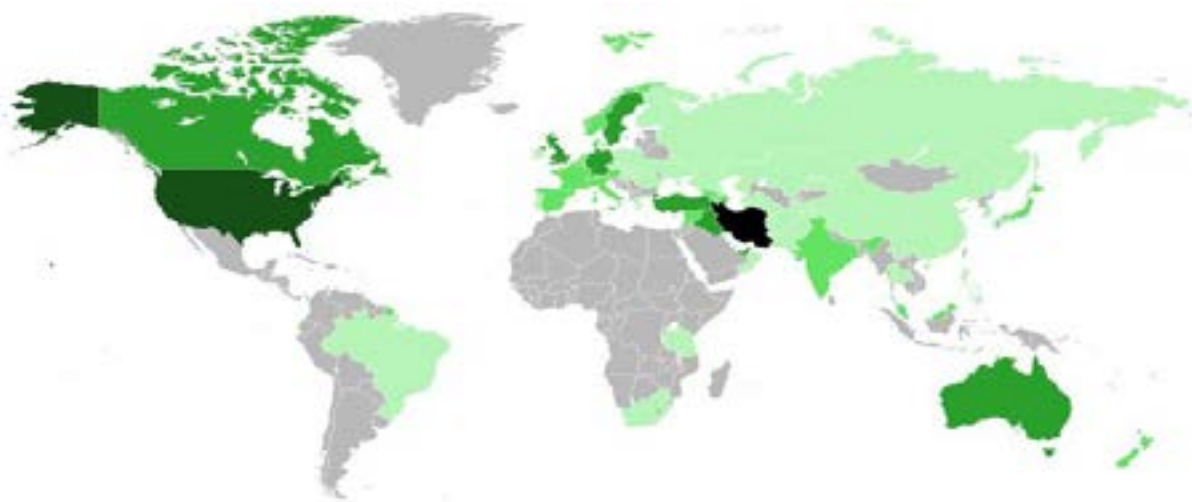
۷	چکیده.....
۸	خلاصه مدیریتی.....
۱۰	۱. مقدمه.....
۱۳	۲. پیشینه.....
۱۳	۱-۲. سوابق مطالعاتی.....
۱۶	۲-۲. سوابق تقنینی.....
۱۷	۳. مختصات و حوزه‌های موضوعی جوامع دور از وطن در نسبت با حکمرانی.....
۱۷	۱-۳. ظرفیت‌های سیاسی جوامع دور از وطن در ارتقای حکمرانی.....
۱۸	۲-۳. ظرفیت‌های اقتصادی جوامع دور از وطن در ارتقای حکمرانی.....
۱۸	۳-۳. ظرفیت‌های فرهنگی جوامع دور از وطن در ارتقای حکمرانی.....
۲۱	۴. مروری بر تجربیات کشورهای منتخب در بهره‌گیری از جوامع دور از وطن در ارتقای حکمرانی.....
۲۱	۱-۴. هند.....
۲۹	۲-۴. چین.....
۳۵	۳-۴. کره جنوبی.....
۳۸	۴-۴. ایرلند.....
۴۵	۵. جمع‌بندی و پیشنهادها.....
۴۹	منابع و مآخذ.....

فهرست جداول

۱۳	جدول ۱. پیشینه پژوهشی.....
۱۶	جدول ۲. پیشینه پژوهشی در مرکز پژوهش‌های مجلس.....
۱۸	جدول ۳. راه‌های اثرگذاری سیاسی جوامع دور از وطن بر جوامع وطن و جوامع میزبان.....
۲۶	جدول ۴. اقدامات و خط‌مشی‌های هند در تعامل با جوامع خارج از کشور.....
۲۸	جدول ۵. اقدامات برای تسهیل تعامل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا) با توجه به استراتژی هند.....
۳۴	جدول ۶. خط‌مشی‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا) بی‌چین بر اساس ترتیب زمانی.....
۴۴	جدول ۷. اقدامات و خط‌مشی‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا) بی‌ایرلند به ترتیب زمانی.....
۴۵	جدول ۸. جمع‌بندی اقدامات کشور‌های بررسی شده در خصوص جوامع دور از وطن.....

فهرست شکل‌ها

شکل ۱. عوامل سیاسی و مؤثر بر روابط جوامع دور از وطن (دیاسپورا) ۱۱
شکل ۲. تأثیرات اقتصادی جوامع دور از وطن ۱۹
شکل ۳. جمعیت جوامع دور از وطن هندی در نقاط گوناگون دنیا ۲۲
شکل ۴. جمعیت جوامع دور از وطن هند در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۷ ۲۴
شکل ۵. وزارت امور هندی‌های خارج از کشور ۲۵
شکل ۶. جمعیت جوامع دور از وطن چینی در سراسر دنیا ۳۱
شکل ۷. فدراسیون کل چین برای بازگشت‌کنندگان چینی ۳۳
شکل ۸. تعداد جمعیت کره‌ای‌های دور از وطن در کشورهای گوناگون دنیا ۳۶
شکل ۹. بنیاد کره‌ای‌های خارج از کشور در حال جذب شرکت‌کنندگان ۳۷
شکل ۱۰. کشورهایی با بیشترین جمعیت ایرلندی‌های دور از وطن ۳۹
شکل ۱۱. نقشه جهانی از جامعه جهانی ایرلندی ۴۲



مروری بر تجارب جهانی در بهره‌گیری از ظرفیت جوامع دور از وطن (دیاسپورا) در نظام حکمرانی

Doi: [10.22034/mrc.report.21291](https://doi.org/10.22034/mrc.report.21291)

چکیده



در دنیای امروز، جوامع دور از وطن به‌عنوان یکی از ظرفیت‌های مهم در ارتقای کنشگری جهانی و دیپلماسی بین‌المللی کشورها شناخته می‌شوند. در همین راستا، مطالعات نشان می‌دهد که کشورهای گوناگون با درک اهمیت این موضوع، خط‌مشی‌های متنوعی را برای بهره‌گیری از این ظرفیت برای بهبود شاخص‌های حکمرانی اتخاذ کرده‌اند. بررسی تجربه‌های کشورهایی مانند هند، چین، کره جنوبی و ایرلند نشان می‌دهد که این کشورها با تدوین قوانین و خط‌مشی‌های هدفمند و با ایجاد نهادهای تخصصی مانند وزارت امور جوامع دور از وطن در هند و وزارت امور جوامع دور از وطن در ایرلند، توانسته‌اند از ظرفیت جوامع دور از وطن خود در ابعاد گوناگون حکمرانی بهره‌مند شوند. آمارها نشان می‌دهد که این کشورها با استفاده از این ظرفیت، پیشرفت‌های قابل توجهی در حوزه‌های گوناگون از جمله لابی‌گری سیاسی (مانند نقش‌های مقیم آمریکا در توافق هسته‌ای هند و آمریکا)، توسعه اقتصادی (مانند نقش چینی‌های مقیم خارج در جذب سرمایه‌گذاری خارجی) و تقویت دیپلماسی عمومی داشته‌اند. ایران با داشتن جمعیتی بیش از ۵ میلیون نفر جامعه دور از وطن که براساس آمار رسمی دبیرخانه شورای عالی ایرانیان خارج از کشور، در سراسر جهان پراکنده‌اند، از ظرفیت قابل توجهی برای ارتقای حکمرانی خود برخوردارند. این جمعیت می‌تواند نقش مهمی در بهبود شاخص‌های حکمرانی ایران ایفا کنند. اما براساس تجربه کشورهای موفق بهره‌گیری از این ظرفیت نیازمند تغییر رویکرد از نگاه تهدیدمحور به نگاه فرصت‌مدار است. بررسی سیر تحول خط‌مشی کشورهای موفق نشان می‌دهد که این کشورها ابتدا با اتخاذ رویکردهای مناسب و جلب اعتماد جوامع دور از وطن خود، زمینه را برای مشارکت آن‌ها در فرایندهای گوناگون حکمرانی فراهم کرده‌اند. بر این اساس، ایران می‌تواند با در نظرگیری شرایط و اقتضائات داخلی و تدوین قوانین و خط‌مشی‌های جامع که ناظر بر تجربیات موفق جهانی باشد، مسیر تعامل و ارتباط با جوامع ایرانی دور از وطن را هموار کرده و با رویکردی فرصت‌مدار و منسجم، از این ظرفیت برای ارتقای شاخص‌های حکمرانی در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بهره‌مند شود.



شرح / بیان مسئله

در دنیای معاصر، نقش و جایگاه جوامع دور از وطن در ارتقای حکمرانی کشورها به موضوعی راهبردی تبدیل شده است. کشورهای گوناگون تلاش می‌کنند از این ظرفیت برای بهبود شاخص‌های حکمرانی خود بهره‌مند شوند. مطالعه تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که این کشورها با اتخاذ رویکردهای هوشمندانه و طراحی سازوکارهای نهادی مناسب، توانسته‌اند از ظرفیت جوامع دور از وطن خود در ابعاد گوناگون حکمرانی استفاده کنند. بررسی تجربه کشورهایی مانند هند، چین، کره جنوبی و ایرلند نشان می‌دهد که این کشورها در ابتدا نگاهی تهدیدمحور به جوامع دور از وطن خود داشتند، اما با گذر زمان و درک اهمیت راهبردی این جوامع، رویکرد خود را به نگاهی فرصت‌محور تغییر دادند. این تغییر رویکرد با اصلاحات نهادی و قانونی همراه شد.

نقطه نظرات / یافته‌های کلیدی

هند تا پیش از دهه ۱۹۹۰، توجه چندانی به جوامع دور از وطن خود نداشت اما با تغییر شرایط جهانی و درک اهمیت راهبردی این جوامع، خط‌مشی خود را تغییر داد. هند با تأسیس وزارت امور هندی‌های خارج از کشور در سال ۲۰۰۴، گامی مهم در این مسیر برداشت. این وزارتخانه با ایجاد هماهنگی میان دستگاه‌های گوناگون و طراحی برنامه‌های منسجم، توانست زمینه مشارکت مؤثر هندی‌های مقیم خارج را فراهم کند. موفقیت این رویکرد در توافق هسته‌ای هند و آمریکا به خوبی نمایان شد، تا جایی که لابی هندی‌های مقیم آمریکا نقش تعیین‌کننده‌ای در پیشبرد مذاکرات و تصویب این توافق ایفا کرد.

چین که در دوران انقلاب فرهنگی کاملاً منفی به جوامع دور از وطن خود داشت، پس از اصلاحات اقتصادی دهه ۱۹۷۰، رویکرد خود را به‌طور اساسی تغییر داد. این کشور، با تأسیس کمیسیون امور چینی‌های خارج از کشور و تدوین خط‌مشی‌های تشویقی، توانست سرمایه و تخصص چینی‌های مقیم خارج را به سمت اقتصاد در حال توسعه خود جذب کند. این کشور همچنین با ایجاد مناطق ویژه اقتصادی و اعطای مشوق‌های مالیاتی، زمینه سرمایه‌گذاری چینی‌های خارج از کشور را فراهم کرد. علاوه بر این، چین با تأسیس مؤسسات کنفوسیوس در سراسر جهان، از ظرفیت فرهنگی جوامع دور از وطن خود برای گسترش نفوذ فرهنگی و تقویت دیپلماسی عمومی استفاده کرد.

کره جنوبی الگوی دیگری از موفقیت در تعامل با جوامع دور از وطن را ارائه می‌دهد. این کشور تا اواسط دهه ۱۹۹۰ توجه چندانی به جوامع دور از وطن خود نداشت اما پس از بحران مالی سال ۱۹۹۷، به اهمیت این جوامع پی برد. تصویب قانون مهاجرت و وضعیت قانونی کره‌ای‌های خارج از کشور در سال ۱۹۹۹، نقطه عطفی در این مسیر بود. این قانون با ایجاد چارچوب حقوقی مشخص، امکان مشارکت کره‌ای‌های مقیم خارج را در اقتصاد کره جنوبی فراهم کرد. همچنین، تأسیس بنیاد کره‌ای‌های خارج از کشور، به تقویت پیوندهای فرهنگی و اجتماعی این جوامع کمک کرد.

تجربه ایرلند نیز از جهت‌های گوناگون قابل توجه است. این کشور که سابقه طولانی در خروج مهاجرین دارد، توانسته با اتخاذ رویکردی هوشمندانه، از ظرفیت جوامع دور از وطن خود به‌خوبی استفاده کند. تأسیس وزارت امور جوامع دور از وطن در سال ۲۰۱۴، برگزاری منظم انجمن جهانی اقتصادی و ایجاد شبکه جهانی ایرلندی‌ها، از جمله اقدام‌های موفق این کشور است. ایرلند همچنین با اجرای برنامه حمایت از مهاجران، توانسته پیوند خود را با جامعه ایرلندی‌های مقیم خارج حفظ و تقویت کند.

بنابراین آن‌ها توانسته‌اند با ایجاد اعتماد متقابل و طراحی سازوکارهای مناسب، زمینه مشارکت جوامع دور از وطن را در حوزه‌های گوناگون حکمرانی فراهم کنند. این مشارکت تنها به حوزه اقتصادی محدود نشده و ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی را دربرمی‌گیرد. این کشورها با

حمایت از مراکز فرهنگی و رسانه‌ای جوامع دور از وطن، به حفظ و تقویت پیوندهای فرهنگی با این جوامع کمک کرده‌اند.

پیشنهاد راهکار تقنینی، نظارتی یا سیاستی

بر اساس این تجربیات، ایران نیز برای بهره‌گیری از ظرفیت جامعه دور از وطن خود در ارتقای حکمرانی، نیازمند اتخاذ رویکردی جامع و راهبردی است. این رویکرد باید در سه سطح تقنینی، نظارتی و سیاستی اعمال شود. در سطح تقنینی، تدوین قانون جامع تعامل با جوامع دور از وطن ضروری است. این قانون باید چارچوب حقوقی مشخصی برای تسهیل مشارکت ایرانیان خارج از کشور در حوزه‌های گوناگون فراهم کند و حقوق و مسئولیت‌های متقابل را روشن کند.

در سطح نظارتی، ارتقای نهاد تخصصی قدرتمند برای مدیریت منسجم امور دیاسپورا و جلوگیری از موازی کاری‌های نهادی ضروری است. این نهاد باید بتواند با اختیارات کافی، هماهنگی لازم را میان دستگاه‌های گوناگون ایجاد و از موازی کاری و پراکنده کاری جلوگیری کند. همچنین، ایجاد سازوکارهای نظارتی با مشارکت نمایندگان جوامع دور از وطن می‌تواند به افزایش شفافیت و اثربخشی برنامه‌ها کمک کند. در سطح سیاستی، مهم‌ترین اولویت تغییر رویکرد از نگاه تهدیدمحور به نگاه فرصت‌مدار است. این تغییر رویکرد باید با طراحی برنامه‌های عملی برای جلب اعتماد و مشارکت جوامع دور از وطن همراه باشد. توسعه ظرفیت‌های رسانه‌ای دیجیتال، طراحی برنامه‌های حمایتی و روایت‌سازی‌های منسجم برای تعامل با این گروه و تقویت پیوندهای فرهنگی، زبانی و اجتماعی از جمله اقدام‌های مهم در این زمینه است. همچنین، توجه به تنوع و گوناگونی جامعه ایرانیان خارج از کشور و طراحی برنامه‌های متناسب با این تنوع ضروری است. این برنامه‌ها باید به گونه‌ای طراحی شوند که همه گروه‌های جامعه دور از وطن، فارغ از گرایش‌های سیاسی و اجتماعی، امکان مشارکت در فرایندهای گوناگون را داشته باشند. بر اساس تجربه کشورهای موفق این فراگیری و جامعیت، عامل مهمی در موفقیت برنامه‌های تعامل با جوامع دور از وطن است. موفقیت در بهره‌گیری از ظرفیت جوامع دور از وطن در ارتقای حکمرانی، نیازمند عزم جدی در سطوح گوناگون حاکمیتی و اجماع بر ضرورت و اهمیت این موضوع است. تجربه کشورهای موفق نشان می‌دهد که این امر با برنامه‌ریزی دقیق، تخصیص منابع کافی و پیگیری مستمر قابل دستیابی است.



۱. مقدمه

امروزه، دولت‌ها از طیف گسترده‌ای از مکانیسم‌های تعاملی، اقدام‌های نمادین تا خط‌مشی‌های عملیاتی، برای ارتباط با جوامع دور از وطن خود بهره می‌گیرند. خط‌مشی‌های دیاسپورایی کشورها عمدتاً دارای ساختارهای نهادی دولتی، چارچوب‌های حقوقی و قوانین تدوین شده برای تأمین منافع جمعیت‌های برون مرزی هستند. از طریق این خط‌مشی‌گذاری‌ها، کشور مبدأ در صدد بهره‌برداری از ظرفیت‌های مالی، تخصصی و نفوذ ژئوپلیتیک جوامع دیاسپورایی خود برمی‌آید [۱].

در دهه‌های اخیر، تعداد زیادی از دولت‌ها در سطح بین‌المللی، به دنبال تقویت ارتباط با جوامع دیاسپورایی خود بودند جوامعی که از افرادی با پیوندهای فرهنگی یا تاریخی با سرزمین‌های آبا و اجدادی تشکیل شده بود. این جوامع می‌توانند شامل مهاجران نسل اول یا نسل‌های بعدی باشند که ممکن است هرگز به سرزمین مادری خود سفر نکرده باشند. رویکرد استراتژیک به جوامع دیاسپورایی در چارچوب سیاست‌های کلان اقتصادی قابل تبیین است [۲]. در این پارادایم، دیاسپورا به مثابه منبعی ارزشمند از سرمایه انسانی و مالی تلقی می‌شود که می‌تواند به ارتقای قدرت رقابت‌پذیری اقتصادی ملی در عرصه جهانی کمک کند. بر این اساس، دولت‌ها با تدوین خط‌مشی‌های هدفمند، به دنبال جذب ظرفیت‌های علمی و سرمایه‌ای نخبگان مقیم در اقتصادهای پیشرفته و دانش بنیان هستند.

شبکه‌های دیاسپورایی نقش تسهیل‌کننده‌ای در انتقال منابع، مهارت‌ها، ایده‌ها و نفوذ بین کشورها ایفا می‌کنند که این امر به آن‌ها وزن سیاسی می‌بخشد. البته این نوع مشارکت فراملی پدیده نوظهوری نیست و پیش‌تر با عناوینی مانند خط‌مشی‌های مهاجرتی-قومی، لابی‌گری قومیتی یا خط‌مشی‌های مهاجران و تبعیدشدگان شناخته می‌شد [۳].

از منظر کشورهای مبدأ، چهار حوزه استراتژیک در خط‌مشی‌گذاری تعامل با جوامع دیاسپورایی قابل شناسایی است:

۱. حوزه خط‌مشی‌های اقتصادی،

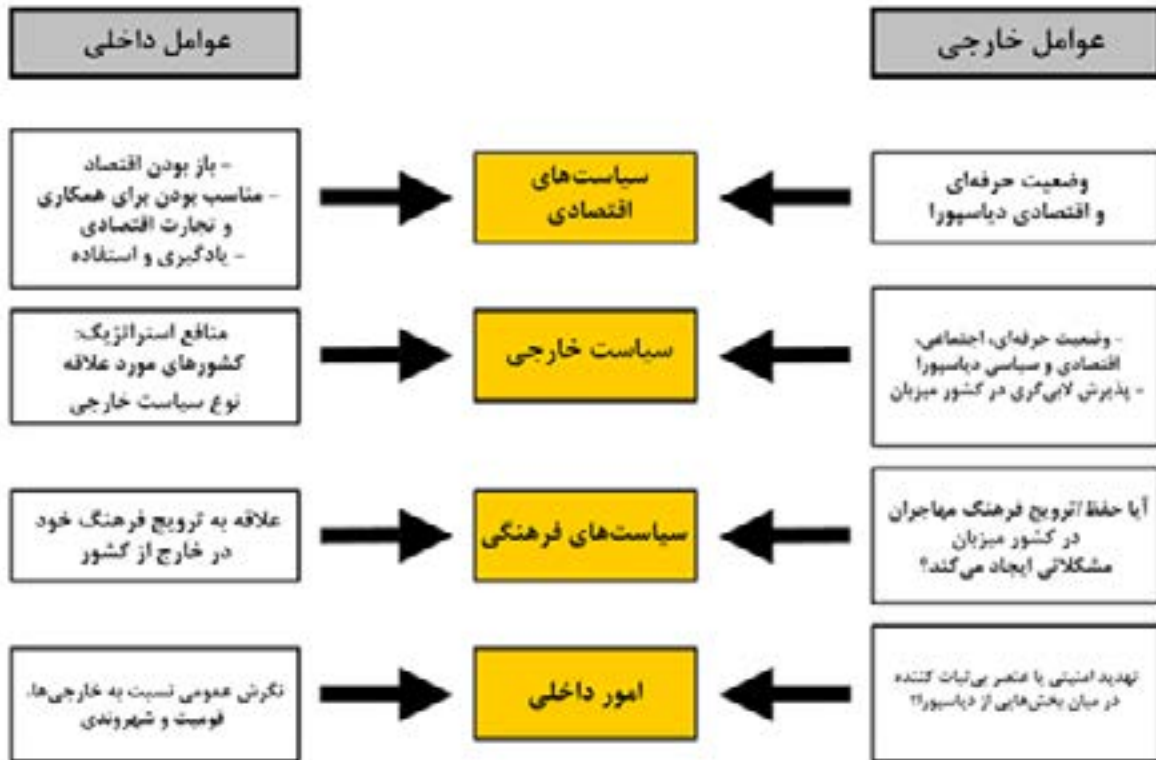
۲. حوزه خط‌مشی‌های خارجی و منافع ژئوپلیتیک،

۳. حوزه خط‌مشی‌های فرهنگی،

۴. حوزه امور داخلی و چارچوب‌های حکمرانی.

بر اساس شکل ۱، هر یک از این حوزه‌های سیاستی متأثر از دو دسته عوامل داخلی و خارجی هستند. با توجه به تحلیل پارادایم‌های حاکم بر خط‌مشی‌گذاری در کشورهای مبدأ، عوامل داخلی ناظر بر متغیرهای درون‌سرزمینی و عوامل خارجی برآمده از محیط بین‌المللی و فراسرزمینی هستند [۴].

شکل ۱. عوامل سیاستی و مؤثر بر روابط جوامع دور از وطن (دیاسپورا) [۴]



چارچوب تحلیلی این پژوهش با تمرکز بر تعامل عوامل داخلی و خارجی مؤثر بر خط‌مشی‌گذاری در حوزه‌های اقتصادی، سیاست خارجی و فرهنگی طراحی شده است. در بعد داخلی، متغیرهای کلیدی شامل درجه آزادسازی اقتصادی، ظرفیت مشارکت در همکاری‌های بین‌المللی و تجارت فرامرزی، توانایی بهره‌گیری از تجارب سایر کشورها، اولویت‌های استراتژیک ملی، رویکردهای کلان سیاست خارجی، رویکرد به دیپلماسی فرهنگی، و افکار عمومی نسبت به اتباع خارجی است. این عوامل درون‌سرزمینی به‌طور مستقیم بر تدوین و اجرای خط‌مشی‌های اقتصادی، خارجی و فرهنگی تأثیر می‌گذارند. در بعد خارجی، مجموعه‌ای از عوامل برون‌مرزی نیز بر شکل‌گیری این سیاست‌ها اثرگذارند که شامل وضعیت اقتصادی و حرفه‌ای جوامع دیاسپورا در کشورهای میزبان، سطح پذیرش فعالیت‌های لابی‌گری در کشورهای مقصد، چالش‌های حفظ هویت فرهنگی در جوامع میزبان، و ملاحظات امنیتی مرتبط با فعالیت‌های دیاسپوراست.

در همین راستا، این پژوهش با اتخاذ رویکردی تطبیقی، به تحلیل تجربه‌های موفق کشورها در خط‌مشی‌گذاری دیاسپورایی می‌پردازد. ساختار حوزه‌های خط‌مشی‌گذاری جوامع دور از وطن که بررسی شده، براساس تحلیل خط‌مشی‌های دیاسپورایی کشورهای گوناگون و پارادایم‌های مرتبط شکل گرفته است. ارزیابی اثربخشی این خط‌مشی‌ها در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی صورت می‌گیرد تا درک جامعی از پارادایم‌های حاکم بر این حوزه حاصل شود.

علاوه بر ظرفیت‌های فردی اعضای دیاسپورا، سازمان‌های دیاسپورایی^۱ هستند که به‌عنوان بازیگران ساختاریافته، نقشی حیاتی در تعامل میان کشور مبدأ، کشور میزبان و جوامع دور از وطن ایفا کرده و به‌عنوان واسطه‌هایی عمل می‌کنند که می‌توانند منابع مالی (مانند سرمایه‌گذاری و کمک‌های بشردوستانه)، سرمایه انسانی (انتقال دانش و مهارت) و نفوذ سیاسی

1. Diaspora Organizations (Dos)



(لابی‌گری و حمایت) را به شکلی متمرکز و مؤثر هدایت کنند. در واقع، بسیاری از خط‌مشی‌های موفق دولتی در حوزه دیاسپورا، نه از طریق تعامل با افراد پراکنده، بلکه از مسیر همکاری با این نهادهای سازمان‌یافته به نتیجه می‌رسد [۵].

۱-۱. چارچوب تحلیلی و مبنای انتخاب کشورهای مورد مطالعه

در پژوهش حاضر چهار کشور هند، چین، کره جنوبی و ایرلند به‌عنوان موارد مطالعاتی منتخب برگزیده شده‌اند. معیار انتخاب این کشورها، موفقیت نسبی و تنوع راهبردهای آن‌ها در زمینه بهره‌گیری از ظرفیت جوامع دور از وطن است که امکان تحلیل جامع و استخراج الگوهای سیاستی کارآمد را فراهم می‌سازد. مدل تحلیلی این مطالعه براساس یک چارچوب موضوعی - تحلیلی^۱ طراحی شده که در شکل ۱ نیز به تصویر کشیده شده است. مدل ذکر شده، خط‌مشی‌گذاری دیاسپورایی را در چهار حوزه راهبردی اصلی طبقه‌بندی می‌کند:

- **حوزه خط‌مشی‌های اقتصادی:** شامل جذب سرمایه، انتقال دانش و فناوری؛
- **حوزه خط‌مشی‌های خارجی و منافع ژئوپلیتیک:** شامل لابی‌گری و دیپلماسی عمومی؛
- **حوزه خط‌مشی‌های فرهنگی:** شامل حفظ هویت و تقویت پیوندهای فرهنگی؛
- **حوزه امور داخلی و چارچوب‌های حکمرانی:** شامل اصلاحات نهادی و قانونی.

چارچوب موضوعی تحلیلی، تأثیر متقابل دو دسته از عوامل را بر هر یک از این حوزه‌ها تحلیل می‌کند: عوامل داخلی (مانند درجه آزادسازی اقتصادی و اولویت‌های استراتژیک ملی) و عوامل خارجی (مانند وضعیت اقتصادی و حرفه‌ای دیاسپورا و ساختار سیاسی کشور میزبان). بر این اساس، گزارش حاضر تجارب هر یک از کشورهای منتخب را در چارچوب این مدل تحلیل و مقایسه کرده و امکان شناسایی نقاط اشتراک و افتراق در سیاست‌ها، بررسی سیر تحول رویکردها (گذار از نگاه تهدیدمحور به فرصت‌محور) و در نهایت، استخراج درس‌آموخته‌های کاربردی برای خط‌مشی‌گذاری در ایران را فراهم می‌کند.



جدول ۱. پیشینه پژوهشی

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگر (ان)	خلاصه فعالیت و نتایج پژوهش	سال انتشار
۱	ایرانیان خارج از کشور: فرصت یا تهدید	وحید، مجید، رستگاری، ثمینا، توسلی رکن‌آبادی، مجید.	این مقاله با رویکردی تحلیلی - انتقادی و مبتنی بر داده‌های اکتشافی تصویری آسیب‌شناسانه از مواجهه دولت‌های پس از انقلاب با پدیده مهاجرت ایرانیان به دست می‌دهد. به بیان دقیق‌تر، هدف پژوهش حاضر بررسی و شناخت آسیب‌های سیاستگذاری جمهوری اسلامی ایران در قبال ایرانیانی است که از کشور مهاجرت کرده‌اند. طبق یافته‌های پژوهش، در فرآیند سیاستگذاری در خصوص مهاجرت ایرانیان شانزده آسیب شناسایی شد که اصلی‌ترین آن‌ها، پراکنندگی سازمانی و فقدان یک نهاد مرجع با قابلیت اتخاذ تصمیم نهایی است.	۱۴۰۰
۲	بازنمایی وطن در میان ذهنیت مهاجران: رهیافتی نظری به دیاسپورای ایرانی	سعیدی، سعیده	این پژوهش با تمرکز بر جامعه مهاجران ایرانی در کشور آلمان به دنبال شناخت مختصات دیاسپورای ایرانی است که از خلال آن تصویری جامع از میان ذهنیت مهاجران نسبت به مفهوم وطن، ارتباط با آن و همچنین فهم تعاملات دیاسپوریک ارائه کند. این مقاله نتیجه می‌گیرد که جماعت‌های دیاسپوریک به عنوان ملت‌هایی رها شده، در جایی بین مرزهای بین‌المللی و فرهنگ‌های مهاجرتی قرار گرفته‌اند و در صدد بازخوانش دوباره فضا در اشکال جدید هستند. زمان مهاجرت، دلایل مهاجرت، مرزبندی‌های قومیتی، سیاسی، مذهبی، شغلی و اقامتی ایرانیان به شکل‌گیری دیاسپورای چهل‌تکه که در مصرف فرهنگی مهاجران نمود یافته و به ضعف هویت دیاسپوریک و تعاملات درون دیاسپورا منجر شده است.	۱۳۹۹
۳	سازه‌های متعارض دیاسپورا در کشورهای مبدأ و مقصد	حاتمی، محمدرضا	این مقاله بیان می‌کند که حضور مهاجرین خارجی در کشورهای دارای تبعات ایجابی و سلبی در حوزه امنیتی و اقتصادی است. سیاستگذاری دیاسپورا در این زمینه می‌تواند، دارای مزایای فراوانی در عرصه‌های گوناگون باشد. چرا که جامعه مهاجر به عنوان یک کارگزار توسعه در سطوح ملی/فراملی و زیرملی، شبکه‌سازان صلح برای جامعه میزبان در جامعه مهمان، ارتقای نیروی کار ارزان و فعال در جامعه مقصد و البته دارای تعارضات در جوامع مهمان شوند. نکته مهم تحقیق این است که مهاجرت مهاجرین می‌تواند در برگیرنده عناصر تهدید/فرست‌زا در جوامع مقصد باشد.	۱۳۹۹
۴	بررسی نقش و اهمیت دیاسپورا در جهان امروز و چگونگی تأثیرگذاری آن در روابط بین‌الملل	مخیری، هیراد	در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی باهدف شناسایی ابعاد گوناگون اثرگذار نقش دیاسپوراها در روابط بین‌کشورها در پاسخ به این سؤال که کشورهای میزبان و کشورهای میهنی، چه تأثیراتی را در نقش آفرینی دیاسپوراها دارند؟ بر اساس فرضیه‌ها به نظر می‌رسد دیاسپوراها می‌توانند باتوجه به پتانسیل‌های نهان خود و با مهیا بودن شرایط و فرصت‌های ایجاد شده از سمت کشورهای میزبان و کشورهای میهنی، نقش آفرینی کنند تا بتوانند تأثیراتی در کسب امتیازات چندوجهی در سیاست خارجی و روابط بین‌الملل داشته باشند.	۱۴۰۰



ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگر(ان)	خلاصه فعالیت و نتایج پژوهش	سال انتشار
۵	ناهمگونی‌های ناهم‌گرای مهاجران ایرانی و محدودیت‌های معنایی و نظری دیاسپورا؛ در مورد ایرانی‌های مقیم فرانسه	خزائی، طاهره	پژوهش انجام شده در مصاحبه با ۴۰ جوانی ایرانی مهاجر در فرانسه، نشان‌دهنده، ناهمگونی مهاجرت ایرانی در دلایل، علت‌ها، فهم از تجربه ترک وطن و همچنین، نداشتن گرایش به ایجاد اجتماع همبسته در کشورهای میزبان است؛ به طوری که ایرانی‌های بیرون از ایران را به سوی تشکیل گروه‌های کوچک و پراکنده و زندگی در جزیره‌هایی منزوی حرکت می‌دهد. نتایج این پژوهش به ناهمگونی و واگرایی مهاجرت ایرانی و باز نماینده ایرانی بودن به عنوان تنها رشته پیونددهنده میان ایرانیان است.	۱۳۹۹
۶	ارزیابی تأثیر کنش‌های دیاسپوریک بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران؛ مطالعه موردی دیاسپورای ایرانی مقیم ایالات متحده	دهقانی فیروز آبادی، سید جلال؛ بهرامی، سمیه	این مقاله در پی تأثیر جوامع دیاسپوریک بر سیاست خارجی کشورها، به دو دسته تأثیرات بر سیاست خارجی کشور میزبان و تأثیر آن‌ها بر سرزمین مادری اشاره می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که توزیع قدرت به گونه‌ای نامتوازن به نفع سرزمین مادری و به ضرر دیاسپورای ایرانی پیش رفته و این امر باعث شده که دیاسپورای ایرانی نفوذ بسیار اندکی بر سیاست خارج وطن داشته باشد. این پژوهش چهار متغیر توانمندی ایدئولوژیک ایران، نفوذناپذیری جمهوری اسلامی ایران، نبود یکپارچگی دیاسپورای ایرانی در مورد جهت‌گیری سیاست خارجی و نگاه نگران جمهوری اسلامی ایران به دیاسپورای ایرانی را مانع اثرپذیری سیاست خارجی ایران از کنش‌های جوامع دیاسپورای ایرانی می‌داند.	۱۳۹۶
۷	فراملی‌گرایی و جنسیت: واکاوی مشارکت زنان دیاسپورای ایرانی در توسعه زادگاهی	سعیدی، سعیده	پژوهش پیشرو از نظر هدف کاربردی، روش مطالعه اسنادی و با تمرکز بر رابطه بین مهاجرت‌های بین‌المللی و توسعه پایدار در سرزمین مادری، در صدد آسیب‌شناسی ارتباط دوسویه و مؤثر زنان مهاجر در دیاسپورای ایرانی با کشور مبدأ است. این مقاله تلاش می‌کند، تا با تأکید بیشتر بر سیاست‌های جذب و مشارکت استعدادها به عنوان یکی از شاخص‌های اصلی سرمایه فکری، به ارتباط مفهومی مهاجرت و توسعه زادگاهی کمک کند.	۱۳۹۷
۸	ایران‌شناسی: تعاملات فرهنگی ایرانیان مهاجر با جوامع میزبان (بررسی موردی ایرانیان مقیم آلمان)	قاسمی سیانی، علی اصغر	این مقاله ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و هویتی ایرانیان مهاجر، نحوه تعامل فرهنگی و هویتی آنان در آلمان با جامعه میزبان را بررسی می‌کند.	۱۳۸۳
۹	دیاسپوراها؛ حافظه جمعی: فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی	عبدی، سیروان	مقاله حاضر در پی بررسی تأثیر فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی بر ارتباطات مهاجران (دیاسپوراها) و تقویت حافظه جمعی آنان در اقصی نقاط جهان است. در نتیجه با توجه به پتانسیل‌های فناوری‌های ارتباطی و اطلاعاتی، ارتباطات جهانی، مفاهیم حوزه دیاسپورا و حافظه جمعی را تغییر داده است. بنابراین با کم‌کردن فواصل زمانی و مکانی، امکان ارتباط مداوم بین افراد دیاسپوریک را فراهم کرده و این امر حس در تبعید بودن و دوری از سرزمین آبا و اجدادی را تغییر داده و مهم‌تر این که امکان تشکیل دولت-ملت‌های رسانه‌ای را برای اجتماعات دیاسپوریک فراهم کرده است.	۱۳۹۸
۱۰	آسیب‌شناسی سیاستگذاری‌های جمهوری اسلامی ایران برای مهار مهاجرت نخبگان	ملک‌شاهی، حجت‌الله؛ واعظ، نفیسه؛ تقی‌پور، فائزه.	این مقاله نشان می‌دهد که جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با مهاجرت نخبگان، سیاستگذاری‌های گوناگونی را به کار گرفته است. از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان سیاستگذاری‌های اقتصادی، بازگشت نخبگان به داخل کشور، تسهیلات اعطایی به برگزیدگان مرحله نهایی المپیاد، سیاستگذاری برای ایفای نقش محوری در بازار تحرک دانشجویان بین‌المللی و حوزه پژوهش را نام برد. با این حال، این سیاستگذاری‌ها با آسیب‌ها و چالش‌های متعددی مواجه بوده که نتوانسته از مهاجرت نخبگان جلوگیری کند.	۱۴۰۰

ردیف	عنوان پژوهش	پژوهشگر (ان)	خلاصه فعالیت و نتایج پژوهش	سال انتشار
۱۱	مهاجرت بازگشتی متخصصان آموزش عالی ایران؛ آسیب‌شناسی فرایند بازیابی هویت حرفه‌ای مهاجران نهاد دانشگاه	سعیدی، سعیده	این پژوهش بر ای فهم و تحلیل تجربه متخصصان بازگشته به کشور از فرایند ادغام در آموزش عالی ایران استفاده کرده و در صدد نشان دادن این امر است که چه ظرفیتهایی آن‌ها را به ماندن در کشور و خدمت در نهاد دانشگاه ترغیب می‌کند و آموزش عالی به‌عنوان مهم‌ترین بستر جذب نیروهای متخصص چگونه با سرمایه انسانی مهاجران بازگشتی برخورد می‌کند؟	۱۳۹۸
۱۲	تأثیر آزادی اقتصادی، سیاسی و مدنی بر مهاجرت (با تأکید بر مهاجرت نخبگان)	شاه‌آبادی، ابوالفضل؛ جامه بزرگی، آمنه	نتیجه مطالعه نشان می‌دهد شاخص آزادی اقتصادی و فقدان آزادی سیاسی و مدنی تأثیر منفی و معناداری بر جریان مهاجرت نخبگان دارد. فرضیه‌های تحقیق عبارت است از: آزادی اقتصادی، سیاسی و مدنی، بیکاری دانش‌آموختگان با تحمیلات دانشگاهی و شاخص توسعه انسانی از عوامل مؤثر بر مهاجرت به‌صورت کلی و مهاجرت نخبگان به ایالات متحده آمریکا است.	۱۳۹۳
۱۳	بررسی عوامل مؤثر بر میزان خالص مهاجرت (در بین ۲۱۰ کشور عضو سازمان ملل در سال ۲۰۱۶)	صادقی، حبیب‌الله	تحقیق حاضر از دو بعد جمعیتی و اقتصادی به موضوع مهاجرت نگاه می‌کند و نقش این عوامل را نشان می‌دهد. روش تحقیق از نوع پژوهشی و کاربردی است. داده‌های مورد استفاده، داده‌های ثانویه ۲۱۰ کشور، استخراج شده از Data sheet جهانی در سال ۲۰۱۶ است. این تحقیق نشان داد که متغیر مهاجرت به‌شدت به متغیرهای اقتصادی و جمعیتی وابسته است و سیاستگذاران باید توجه ویژه‌ای به این متغیرها داشته باشند.	۱۳۹۸
۱۴	دیاسپورا و روابط دوجانبه؛ مطالعه موردی آمریکاییان هندی‌تبار	واعظی، طیبه	در این پژوهش باتوجه به این نکته که دیاسپوراها چگونه بر روابط خارجی کشورها اثر می‌گذارند، به بررسی نقش دیاسپورای هندی و شیوه‌های مورد استفاده آن‌ها برای اثرگذاری بر روابط دوجانبه هند و آمریکا اشاره شده و همچنین نویسنده در این مقاله به تأثیرگذاری نقش دیاسپورا بر روابط خارجی کشورها باتوجه به استفاده از روش‌های مستقیم و غیرمستقیم سیاسی و اقتصادی پرداخته است.	۱۳۹۲
۱۵	دیپلماسی دیاسپورا: بررسی نمونه ایالات متحده	نوروزی، شیدا	نویسنده تلاش بر این امر دارد که دیاسپوراها در کشورهای میزبان می‌توانند عاملی مهم برای اجرای دیپلماسی عمومی جدید در قالب دیپلماسی دیاسپورا باشند و با این پیش‌فرض در پژوهش به بررسی این مسئله در ایالات متحده آمریکا پرداخته شده است.	۱۳۹۲

مأخذ: یافته‌های پژوهش.



جدول ۲. پیشینه پژوهشی در مرکز پژوهش‌های مجلس

سال انتشار	توضیحات	پژوهشگر (ان)	عنوان گزارش	ردیف
۱۴۰۰	گزارش پیش‌رو به بررسی قوانین و سیاست‌گذاری‌های برخی از کشورها در حوزه جوامع خارج‌نشین یا دیاسپورا پرداخته است.	فرزانه مصطفی‌جوکار (دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس)	مطالعه تطبیقی سیاست‌گذاری و قانونگذاری کشورها در قبال جامعه شهروندان مقیم خارج از کشور	۱
۱۴۰۰	این گزارش به بررسی دیدگاه جمهوری اسلامی ایران درباره ایرانیان خارج از کشور می‌پردازد. بر اساس بیانات رهبری و سیاست‌های کلی نظام، رویکرد به ایرانیان خارج از کشور باید حمایت‌گر، ایانه، فرصت‌محور و فراگیر باشد و از نگاه امنیتی و تقلیل‌گر ایانه پرهیز شود.	فرزانه مصطفی‌جوکار (دفتر مطالعات سیاسی مرکز پژوهش‌های مجلس)	نگاه جمهوری اسلامی ایران به موضوع ایرانیان خارج از کشور با تکیه بر بیانات مقام معظم رهبری و سیاست‌های کلی ابلاغی	۲

مأخذ: همان.

۲-۲. سوابق تقنینی

در این بخش ابتدا به اسناد سیاستی و سپس قوانین مرتبط با موضوع ایرانیان خارج از کشور، پرداخته خواهد شد. بررسی سیر تاریخی قوانین و سیاست‌های مرتبط با ایرانیان خارج از کشور نشان می‌دهد که این موضوع از ابتدای دهه ۸۰ به‌طور جدی وارد اسناد بالادستی کشور شده است.

در سال ۱۳۸۴ با تصویب سند چشم‌انداز ۲۰ ساله، موضوع ایرانیان خارج از کشور در بند «۳۳» با چهار رویکرد اصلی مطرح شد: «تقویت هویت اسلامی و ایرانی ایرانیان خارج از کشور، کمک به ترویج زبان فارسی در میان آنان، حمایت از حقوق آنان و تسهیل مشارکت آنان در توسعه ملی».

در سال ۱۳۹۳ دو سند مهم سیاستی به این موضوع پرداختند:

۱. سیاست‌های کلی علم و فناوری (نظام آموزش عالی، تحقیقات و فناوری ۱۳۹۳/۰۶/۲۹) که بر استفاده از ظرفیت‌های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج تأکید کرد: «استفاده از ظرفیت‌های علمی و فنی ایرانیان مقیم خارج و جذب متخصصان و محققان برجسته سایر کشورها به‌ویژه کشورهای اسلامی بر حسب نیاز».

۲. سیاست‌های کلی جمعیت، ابلاغی ۱۳۹۳/۰۲/۳۰ به‌روزرسانی ۱۳۹۸، که در بندهای «۱۲» و «۱۳» به موضوع پرداخت و بر تشویق به سرمایه‌گذاری و تقویت هویت ملی تمرکز داشت. در این بندها آمده است:

بند «۱۲»: «تشویق ایرانیان خارج از کشور برای حضور و سرمایه‌گذاری و بهره‌گیری از ظرفیت‌ها و توانایی‌های آنان. بند «۱۳»: تقویت مؤلفه‌های هویت‌بخش ملی (ایرانی، اسلامی، انقلابی) و ارتقا وفاق و همگرایی اجتماعی در پهنه سرزمینی به‌ویژه در میان مرزنشینان؛ و ایرانیان خارج از کشور».

نهایتاً در قانون برنامه هفتم پیشرفت، بند «الف» ماده (۹۸) به‌طور مشخص بر موضوع نخبگان تمرکز کرده و یک هدف‌گذاری کمی (تعامل با ۲۰ درصد جامعه هدف) را تعیین کرده است. همچنین تکلیف تدوین آیین‌نامه اجرایی را بر عهده معاونت علمی با همکاری وزارت امور خارجه گذاشته است. در متن ماده این‌گونه آمده است: «به‌منظور فعال کردن قابلیت‌های سرزمینی و موقعیت راهبردی جمهوری اسلامی ایران و تعامل مؤثر با محیط بین‌المللی و منطقه‌ای اقدامات زیر انجام می‌گیرد: در راستای ارتباط، جذب و بازگشت نخبگان و متخصصان و نقش‌آفرینی آنان در چرخه خدمت به کشور، معاونت علمی، فناوری و اقتصاد دانش‌بنیان ریاست جمهوری با همکاری وزارت امور خارجه مکلف است ظرف سه‌ماه از لازم‌الاجرا شدن این قانون، آیین‌نامه اجرایی ارتباط نخبگان ایرانی خارج از کشور را تهیه کرده و به تصویب هیئت وزیران برساند به

نحوی که تا پایان برنامه امکان تعامل مؤثر با حداقل بیست درصد (۲۰٪) از جامعه هدف فراهم شود».

علاوه بر اسناد و قوانین، در اسفند ماه سال ۱۴۰۱، [آیین‌نامه حمایت از نخبگان ایرانی](#) در جلسه هیئت وزیران دولت وقت به تصویب رسید. هیئت وزیران به پیشنهاد مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری و به استناد اصل (۱۳۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه حمایت از نخبگان ایرانی را تصویب کرد. این آیین‌نامه، نشان‌دهنده توجه ویژه به قشر نخبه جامعه ایرانیان خارج از کشور بود.

این سیر تاریخی نشان می‌دهد که:

۱. توجه به موضوع از رویکرد کلی به سمت خط‌مشی‌های اجرایی‌تر حرکت کرده است.

۲. تمرکز بر نخبگان در سال‌های اخیر افزایش یافته است.

۳. هدف‌گذاری‌ها از حالت کیفی به سمت کمی حرکت کرده است.

۴. نهادهای مسئول به‌طور دقیق‌تر مشخص شده‌اند.

۳. مختصات و حوزه‌های موضوعی جوامع دور از وطن در نسبت با حکمرانی

۳-۱. ظرفیت‌های سیاسی جوامع دور از وطن در ارتقای حکمرانی

جوامع دیاسپورا به‌عنوان کنشگران غیردولتی،^۱ نقش محوری در معادلات ژئوپلیتیک جهانی پیدا کرده‌اند که این جایگاه استراتژیک، توجه خط‌مشی‌گذاران دولتی و بین‌المللی را جلب کرده است. جهانی‌سازی، مهاجرت‌های بین‌المللی و ارتباطات جهانی به‌عنوان عوامل محوری، مشارکت فعال این جوامع در خط‌مشی‌های فراملی را تقویت کرده‌اند. این جوامع با استفاده از مکانیسم‌های نوین، بر رویدادهای سیاسی تأثیر می‌گذارند و توجه دولت‌ها و بازیگران غیردولتی را جلب می‌کنند. بسیاری از دولت‌ها برای دستیابی به مزیت‌های سیاسی، به دنبال تعامل استراتژیک با جوامع دیاسپورای خود هستند. تأسیس وزارخانه‌های تخصصی و نمایندگی‌های ویژه از جمله خط‌مشی‌های نهادی در این زمینه است. این جوامع در چارچوب «قدرت نرم مدرن»،^۲ به‌عنوان ابزار دیپلماتیک در پیشبرد منافع ملی و فعالیت‌های لابی‌گری عمل می‌کنند. الگوهای موفق لابی‌گری می‌توانند به‌عنوان پارادایم‌های عملیاتی برای سایر گروه‌ها مورد استفاده قرار گیرند [۳]. مهاجران نیز با بهره‌گیری از شرایط مساعد بین‌المللی، از موقعیت خود برای کسب قدرت و نفوذ سیاسی استفاده می‌کنند. این افراد با دسترسی به فرصت‌های گسترده مشارکت سیاسی، نقش فزاینده‌ای در فرایندهای تصمیم‌سازی پیدا کرده‌اند و به عوامل تعیین‌کننده در شکل‌دهی خط‌مشی‌های جهانی تبدیل شده‌اند [۶].

جدول زیر، ابعاد چندگانه نفوذ سیاسی جوامع دیاسپورا را در دو حوزه کشور وطن و میزبان تبیین می‌کند. سازوکارهای تأثیرگذاری در قالب کنش‌های مستقیم و غیرمستقیم طبقه‌بندی شده‌اند.

1. Non-State Actors
2. Modern Soft Power



جدول ۳. راه‌های اثرگذاری سیاسی جوامع دور از وطن بر جوامع وطن و جوامع میزبان [۶]

کشور میزبان		کشور وطن	
غیرمستقیم	مستقیم	غیرمستقیم	مستقیم
ارائه اطلاعات	رأی دادن	تعیین دستور کار	رأی دادن (در صورت واجد شرایط بودن)
تعیین دستور کار	کاندید شدن (در صورت واجد شرایط بودن)	سرمایه‌گذاری مستقیم و حواله‌های کارگران	نمایندگی (در صورت قابل اجرا بودن)
اقدام مستقیم		تأمین مالی	
تأمین مالی		حمایت از اقدامات مستقیم	
لابی‌گری			

در حوزه کشور وطن، مشارکت مستقیم از طریق سازوکارهای دموکراتیک مانند مشارکت در انتخابات (رأی دادن و نامزدی) صورت می‌پذیرد. در بعد غیرمستقیم، اهرم‌های اقتصادی مانند جریان‌های مالی فراملی و سرمایه‌گذاری، همراه با نفوذ بر گفتمان سیاسی از طریق تعیین دستور کار، نقش محوری ایفا می‌کنند.

در عرصه کشور میزبان، کنش‌های مستقیم شامل بهره‌گیری از حقوق دموکراتیک، تبادل اطلاعات و مشارکت در جنبش‌های مدنی است. در سطح غیرمستقیم، لابی‌گری و تأثیرگذاری بر گفتمان عمومی از طریق تأمین مالی و تعیین اولویت‌های سیاسی برجسته می‌شود. علاوه بر تأثیرگذاری بر کشور مبدأ، جوامع دیاسپورا در عرصه سیاست کشور میزبان نیز به کنشگری فعال می‌پردازند.

۲-۳. ظرفیت‌های اقتصادی جوامع دور از وطن در ارتقای حکمرانی

نقش اقتصادی جوامع دیاسپورا در کشور مبدأ، به‌ویژه در کشورهای در حال توسعه، از اهمیت راهبردی برخوردار است. این جوامع از طریق حواله‌های مالی و سرمایه‌گذاری‌های مستقیم، به‌عنوان کنشگران محوری توسعه اقتصادی شناخته شده‌اند [۶]. نمونه بارز این امر را می‌توان در نقش دیاسپورای آفریقایی مشاهده کرد که به منبع مهم تأمین مالی خارجی برای کشورهای مبدأ تبدیل شده‌اند. تحقیقات نشان می‌دهد حواله‌های ارسالی، بیشتر از حمایت خانوادگی، به تقویت کارآفرینی و توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه منجر می‌شود [۷]. با اتخاذ خط‌مشی‌های تشویقی مناسب، دیاسپورا می‌تواند از طریق سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای نوپا و موجود، نقش مؤثرتری در توسعه منطقه‌ای ایفا کند. این سرمایه‌گذاری‌ها، به‌ویژه در شرایط کمبود منابع سرمایه‌ای، می‌تواند به بهره‌برداری از فرصت‌های بالقوه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه کمک شایانی کند.

با توجه به نقش راهبردی سرمایه‌گذاری‌های جوامع دور از وطن در توسعه اقتصادی، رویکرد نوینی در تمرکز بر سرمایه‌گذاری‌های خرد و فردی، در کنار سرمایه‌گذاری‌های کلان شرکت‌های چندملیتی شکل گرفته است. مشارکت مؤثر این جوامع از طریق سرمایه‌گذاری در کسب‌وکارهای محلی، به‌عنوان محرک توسعه شناخته می‌شود [۷]. در همین راستا، کشورهای در حال توسعه و نهادهای بین‌المللی، طرح‌های حمایتی متعددی را برای جذب و تسهیل سرمایه‌گذاری جوامع دور از وطن در اقتصادهای نوظهور به اجرا گذاشته‌اند.

۳-۳. ظرفیت‌های فرهنگی جوامع دور از وطن در ارتقای حکمرانی

فرهنگ، عامل پیونددهنده جوامع دور از وطن با سرزمین مادری است که فضای تعامل، ارتباط و تبادل نظر را برای آن‌ها فراهم می‌کند. با

وجود نقش پایدار این پیوند فرهنگی، در برنامه‌های توسعه جهانی به صورت ضمنی به آن پرداخته می‌شود [۸]. سرمایه فرهنگی این جوامع، شامل ارزش‌ها، دیدگاه‌ها و ایده‌های نوین، به تنوع و انعطاف‌پذیری آن‌ها می‌افزاید و در شکل‌گیری فرهنگ‌ها و هویت‌ها در کشورهای مبدأ و مقصد نقش اساسی ایفا می‌کند. احساس تعلق در این میان، عنصری محوری است که به تقویت روابط این جوامع کمک کرده و به عنوان پل ارتباطی میان ملت و دولت عمل می‌کند. در حالی که دولت با مرزهای جغرافیایی تعریف می‌شود، مفهوم ملیت از طریق پیوندهای فرهنگی، فراتر از مرزها گسترش می‌یابد [۸]. در این میان، زبان یکی از محوری‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین عناصر حفظ هویت فرهنگی است و مطالعات نشان می‌دهد که در بسیاری از جوامع دیاسپورای هندی، زبان مادری در محیط خانه و خانواده حفظ می‌شود، اما در نسل‌های جدیدتر، زبان‌های مسلط کشور میزبان (مانند انگلیسی) یا زبان‌های فراگیر دیاسپورایی (مانند هندی) به تدریج جایگزین آن در فضاهای عمومی و حتی برخی تعاملات خانوادگی می‌شوند. در کنار زبان‌های محاوره‌ای، زبان‌های کلاسیک و مقدس مانند سانسکریت نیز نقشی نمادین در ایجاد یک هویت پان-هندو در میان دیاسپورای متنوع هندی ایفا می‌کنند، حتی اگر تعداد کمی از افراد به آن مسلط باشند [۵].

شکل ۲. تأثیرات اقتصادی جوامع دور از وطن [۷]



اهمیت احساس ملیت در تداوم چند نسلی آن نمایان می‌شود، چنان‌که سازمان بین‌المللی مهاجرت^۱، جوامع دور از وطن را «مهاجران یا فرزندان مهاجرانی که هویتشان براساس تجربه مهاجرت شکل گرفته» تعریف می‌کند. این افراد از طریق تاریخ، هویت و تجربیات مشترک با وطن و یکدیگر پیوند می‌یابند. سرمایه فرهنگی این جوامع، نقشی حیاتی در ایجاد سیستم‌های پایدار تعامل با کشور مبدأ دارد [۸]. دولت‌های مبدأ باید این سرمایه را به عنوان رکن کلیدی دیپلماسی خود بپذیرند. این رویکرد برای کشورهای دارای راهبردهای تثبیت‌شده و نوپا در تعامل با جوامع دور از وطن، اهمیت یکسانی دارد. نقش دولت در این تعاملات فرهنگی باید فراگیر و حمایتی باشد و تنوع انجمن‌ها و وابستگی‌های فرهنگی را داشته باشد. به ویژه برای کشورهایی که جوامع دور از وطن آن‌ها از درگیری‌ها و بحران‌های سیاسی نشئت گرفته‌اند، حساسیت به این تنوع فرهنگی حیاتی است. استوارت هال در تحلیل هویت جوامع دور از وطن، دو مسئله مهم را مطرح می‌کند: آیا این هویت ماهیتی ثابت و نژاد/قومیت‌محور دارد یا فرایندی پویا و در حال تکوین است؟ از نظر او، هویت این جوامع یک مفهوم ایستا و امپریالیستی که به طرد دیگری می‌انجامد نیست، بلکه فرایندی مستمر از تولید و بازتولید هویت‌هاست. این دیدگاه ضمن شناسایی زمینه‌های مشترک هویتی، بر تفاوت‌های

1. International Organization for Migration (IOM)



درون گروهی نیز تأکید می‌کند و اصل «تداوم در عین تفاوت» را برجسته می‌سازد [۹].

این پویایی هویتی در عمل با چالش‌هایی همراه است که بر رفاه جوامع دور از وطن تأثیر می‌گذارد. مطالعات میدانی جوامع آسیایی مقیم کشورهای غربی نشان می‌دهد که تعامل میان حفظ هویت فرهنگی و سازگاری با جامعه میزبان، فرایندی پیچیده است که می‌تواند بر سلامت روان این جوامع تأثیر مثبت یا منفی بگذارد. یافته‌های تحقیقات نشان می‌دهد که خودانگاره مستقل و فرهنگ‌پذیری مؤثر به عنوان محافظت‌کننده عمل کرده، در حالی که تجربه تبعیض و تعاملات دشوار بین فرهنگی می‌تواند به افزایش اضطراب اجتماعی منجر شود. این واقعیت‌ها ضرورت توجه جامع به ابعاد رفاهی و روانی در سیاستگذاری‌های مربوط به دیاسپورا را نشان می‌دهد [۱۰].

۱-۳-۳. نقش رسانه‌های دیجیتال در تعامل جوامع دور از وطن با حکمرانی

موضوع نقش رسانه‌های دیجیتال و فناوری‌های نوین در تعامل جوامع دور از وطن با نظام‌های حکمرانی، حوزه‌ای گسترده و چندبعدی است که شامل ابعاد فنی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی متعددی می‌شود. با توجه به ماهیت مفصل این موضوع و محدودیت‌های این گزارش، امکان پرداختن جامع به تمامی جنبه‌های آن وجود ندارد. با این حال، برای تکمیل چارچوب تحلیلی و ارائه تصویری کامل‌تر از ظرفیت‌های موجود، در ادامه به‌طور مختصر به این حوزه اشاره می‌شود.

در عصر دیجیتال، رسانه‌های همگرا به عنوان عاملی تحول‌آفرین در شکل‌دهی روابط میان جوامع دیاسپورا و کشورهای مبدأ ظاهر شده‌اند. این رسانه‌ها که از تلفیق رسانه‌های سنتی و جدید، شبکه‌های اجتماعی و ابزارهای داستان‌سرایی دیجیتال تشکیل شده‌اند، فرصت‌های بی‌سابقه‌ای را برای تولید، مصرف و انتشار روایت‌های مهاجرت فراهم آورده‌اند که به‌طور مستقیم بر فرایندهای حکمرانی تأثیر می‌گذارد. یکی از مهم‌ترین دستاوردهای این تحول، شکل‌گیری مفهوم فضاهای دیجیتال سوم است. این فضاها که به عنوان مکان‌هایی غیررسمی و قابل دسترس برای تعامل و ایجاد احساس تعلق عمل می‌کنند، جایگزین مناسبی برای فضاهای فیزیکی محدود ارائه می‌دهند. در این فضاها، مهاجران قادر به شکل‌گیری جوامع منسجم فراتر از مرزهای جغرافیایی هستند و در ک سنتی از فضا، مکان و قلمرو پیدا می‌کنند. این امر به‌ویژه برای مهاجرانی که از فضاهای فیزیکی حاشیه‌رانی می‌شوند، فرصت‌های مهمی برای بازیابی صدا و کنشگری فراهم می‌کند. رویکردهای مشارکتی در تولید محتوای دیجیتال نیز نوآوری مهمی در این حوزه محسوب می‌شوند. استفاده از این رویکردها مانند تصویرسازی مشارکتی و روایت‌گری دیجیتال، این قابلیت را به مهاجران می‌دهد که بتوانند فراتر از بازنمایی‌های تک‌ساحتی و کلیشه‌ای رسانه‌های عمومی، پیچیدگی‌های هویتی و گوناگونی جنبه‌های تجربه زندگی خود را منعکس کنند. این فرایند که به صورت بازتابی و غیرخطی پیش می‌رود، شامل جلسات مکرر مانند حلقه‌های اشتراک، کارگاه‌های آموزشی و بحث‌های مستمر است که زمینه اعمال کنشگری و مشارکت مستمر جوامع دیاسپورا را فراهم می‌کند.

با این حال، استفاده از این ظرفیت‌ها با چالش‌های مهمی همراه است. دسترسی به زیرساخت‌های فیزیکی رسانه‌های همگرا، شامل دستگاه‌های متصل به اینترنت و اتصال پایدار، هنوز به عنوان خدمات ضروری تلقی نمی‌شود و مهاجران را که اغلب در میان جوامع آسیب‌پذیر قرار دارند، به‌طور نامتناسبی حذف می‌کند. علاوه بر این، سواد دیجیتال و رسانه‌ای عامل تعیین‌کننده‌ای در تبدیل کاربران به شرکت‌کنندگان فعال، نه صرفاً گیرندگان منفعل است. این رسانه‌ها بر شکل‌گیری هویت مهاجران تأثیر عمیقی دارند. مطالعات نشان می‌دهد که نسل ۱،۵ مهاجران کره‌ای در تورنتو از رسانه‌های دیجیتال برای تسهیل احساس هویت چندفرهنگی استفاده می‌کنند. همچنین، مهاجران جوان سوری از شبکه‌های اجتماعی برای عبور از موانع زبانی-فرهنگی و یافتن احساس تعلق در کانادا بهره می‌برند. این فرایند به شکل‌گیری مفهوم شهروندی دیجیتال منجر می‌شود که در آن مهاجران نقش‌های متعددی مانند تولیدکننده، ویراستار و انتشاردهنده محتوا را بر عهده می‌گیرند.

استفاده از رسانه‌های همگرا با خطرهای مهمی همراه است. انتشار اطلاعات نادرست، قطبی‌سازی سیاسی، مسائل حریم خصوصی و امکان سوءاستفاده از اطلاعات مهاجران از جمله این خطر هاست. همچنین، فرایند همکاری‌سازی خود پارادوکسی را ایجاد می‌کند که در آن پیشرفت

فناوری و رسانه‌های همگرا به ابزاری ضروری تبدیل می‌شوند اما تأثیرات متضادی دارند. در حالی که مهاجران بیش از پیش ملزم به حضور در فضاهای مجازی و فیزیکی هستند، عواقب استفاده از رسانه‌ها باید به دقت رصد شود. این تحولات نشان می‌دهد که رسانه‌های دیجیتال نه تنها ابزارهای فنی تأثیرگذار بر فرهنگ هستند، بلکه خالقان فعال فرهنگ‌های همگرای جدید محسوب می‌شوند که در نتیجه فروپاشی زمینه‌ها و کاربرد عملی امکانات شکل می‌گیرند [۱۱].

۴. مروری بر تجربیات کشورهای منتخب در بهره‌گیری از جوامع دور از وطن در ارتقای حکمرانی

۴-۱. هند

۴-۱-۱. چرایی مطالعه هند

جامعه هندی-آمریکایی به عنوان نمونه‌ای شاخص از تأثیرگذاری سیاسی جوامع دیاسپورا در عرصه بین‌الملل شناخته می‌شود. این جامعه با بهره‌گیری از ظرفیت‌های متنوع سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خود، نقشی محوری در شکل‌دهی به روابط دوجانبه هند و آمریکا ایفا می‌کند. توافق هسته‌ای سال ۲۰۰۶ میان دو کشور و تصویب نهایی آن در سال ۲۰۰۸، نقطه عطفی در تأثیرگذاری راهبردی این جامعه محسوب می‌شد. به استناد اظهارات وزیر امور خارجه پیشین هند، جامعه هندی-آمریکایی به عنوان اهرم حمایتی قدرتمندی در پیشبرد خط‌مشی‌های دولت هند عمل می‌کند. اسناد رسمی دولت هند نیز بر نقش راهبردی این جامعه در تحکیم مناسبات با ابرقدرت جهانی تأکید دارد [۶]. در اواخر دهه ۱۹۹۰، با فروپاشی نظام دوقطبی جنگ سرد و تغییر رویکرد اقتصادی هند از خودکفایی سوسیالیستی به توسعه بازار محور، زمینه برای گسترش روابط فراهم شد. در این برهه، حضور چشمگیر شهروندان هندی تبار در ساختار سیاسی-اقتصادی آمریکا، از طریق مشارکت در تأمین مالی کمپین‌های انتخاباتی و نامزدی در مناصب عمومی، به عاملی تأثیرگذار در تقویت پیوندهای دوجانبه تبدیل شد [۴].

در سال ۱۹۹۳، جامعه رو به رشد هندی-آمریکایی با تأسیس «کمیته دوستی هند و هندی‌های آمریکایی»، گام مهمی در راستای تقویت نفوذ سیاسی خود برداشت. این کمیته تا سال ۲۰۰۶ با عضویت ۱۷۶ نماینده (معادل ۴۰ درصد اعضای کنگره)، به عنوان نیروی تأثیرگذار در سیاست خارجی آمریکا شناخته شد. نقطه عطف تأثیرگذاری این کمیته و جامعه هندی-آمریکایی، در پی آزمایش‌های هسته‌ای هند در مه ۱۹۹۸ و اعمال تحریم‌های بین‌المللی نمایان شد. در این برهه حساس، فعالیت‌های دیپلماتیک و لابی‌گری جامعه دیاسپورای هندی و کمیته ذکر شده، نقشی محوری در تبیین دیدگاه‌های هند و تشریح ملاحظات امنیتی و ژئوپلیتیکی این کشور ایفا کرد. به گواه وزیر امور خارجه وقت هند، نقش پشت پرده و تأثیرگذار هندی‌های آمریکایی در مذاکرات دوجانبه، عاملی کلیدی در بهبود روابط و تعدیل تحریم‌ها محسوب می‌شد [۴].

در نتیجه جامعه هندی-آمریکایی، با برخورداری از بالاترین سطح درآمد در میان جوامع دیاسپورای آمریکا، این پتانسیل مالی را به اهرم نفوذ سیاسی در انتخابات تبدیل کرده است. سازمان‌هایی مانند کمیته اقدام سیاسی هند و آمریکا، با کمک‌های مالی چشمگیر به کمپین‌های انتخاباتی (۱۶ تا ۱۸ میلیون دلار در دوره ۲۰۰۴-۲۰۰۲)، این تأثیرگذاری را تضمین می‌کنند [۶]. علاوه بر فعالیت‌های مالی، این جامعه از سایر روش‌های لابی‌گری نیز بهره می‌برد. مرکز هندی-آمریکایی برای آگاهی سیاسی،^۲ با اجرای برنامه رهبری و اشنگتن فرصت‌های کارآموزی برای دانشجویان هندی تبار در دفاتر کنگره فراهم می‌آورد و به این ترتیب، روابط با قانونگذاران را تقویت و تعمیق می‌کند. توافق هسته‌ای غیرنظامی ۲۰۰۸-۲۰۰۵ میان هند و آمریکا، که با هدف گسترش همکاری‌های هسته‌ای صلح‌آمیز به امضا رسید، نمونه بارزی از

1. India Caucus or Congressional Caucus on India and Indian Americans

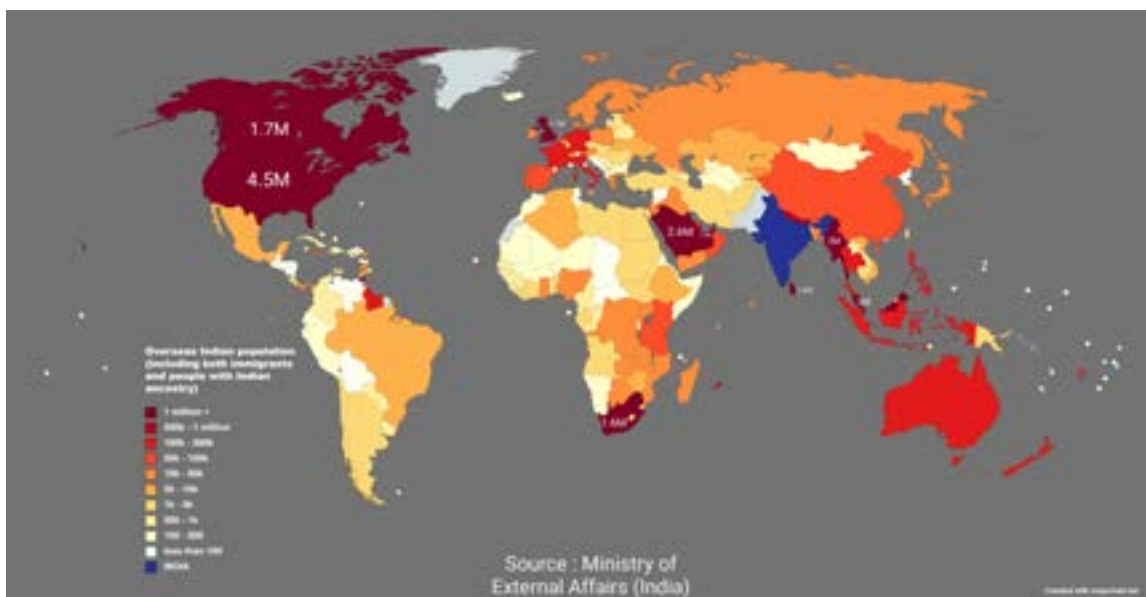
کمیته دوستی هند و هندی‌های آمریکایی (India Caucus): گروهی دوحزبی متشکل از نمایندگان کنگره آمریکا که با هدف تقویت روابط دوجانبه و نمایندگی منافع جامعه هندی-آمریکایی در سال ۱۹۹۳ تأسیس شد.

2. Indian American Center for Political Awareness

3. Washington Leadership Program

تأثیر گذاری این جامعه است. تلاش‌های لابی‌گری و جلب حمایت سیاسی جامعه هندی-آمریکایی در تحقق این توافق، تا حدی بود که مورد تقدیر مقامات ارشد هند، از جمله نخست‌وزیر وقت قرار گرفت. این همکاری راهبردی، علاوه بر تسهیل دسترسی هند به فناوری هسته‌ای صلح‌آمیز، به تعمیق روابط سیاسی-اقتصادی دو کشور انجامید [۴].

شکل ۳. جمعیت جوامع دور از وطن هندی در نقاط گوناگون دنیا [۴]



مشارکت سیاسی هندی‌های آمریکایی در کشور مبدأ، ابعاد گسترده‌ای دارد. حمایت مالی و تبلیغاتی از جنبش ملی‌گرای هندو (هیدوتوا) و حزب بهاراتیا جاناتا (BJP)، که اغلب در قالب کمک‌های توسعه‌ای مانند صندوق کمک و توسعه هند^۱ صورت می‌گیرد، نمونه بارزی از این مشارکت است. شورای جهانی هندوهای آمریکا^۲ با رویکردی آشکار، خواستار تسلط هندوئیسم در هند است، در حالی که جناح لیبرال جامعه دیاسپورای هندی، از حزب سکولار کنگره پیش و پس از انتخابات ۲۰۰۴ حمایت می‌کند [۴]. در کشورهایی مانند بریتانیا، کانادا، موریس، سورینام، مالزی و فیجی نیز سیاستمداران هندی تبار به مناصب مهم دولتی و پارلمانی دست یافته‌اند. با این حال، کنش سیاسی آمریکان نسبت به لابی‌گری و منافع هند، باعث انجام تأثیر گذاری سیاسی در این کشور به تغییر پارادایمی در روابط دوجانبه شده، در حالی که دستاوردهای مشابه در سایر کشورها، در بهترین حالت، در حاشیه باقی مانده است.

بنابراین یکی از جنبه‌های مهم و کمتر شناخته‌شده دیاسپورای هندی، پدیده «دیاسپورای مضاعف»^۳ است که نمونه بارز آن، «آسیایی‌های شرق آفریقا» هستند که ابتدا در دوران استعمار از هند به کشورهایمانند کنیا و اوگاندا مهاجرت کردند و سپس در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، به دلیل خط‌مشی‌های آفریقایی‌سازی، مجبور به مهاجرت مجدد، عمدتاً به بریتانیا، شدند. این گروه از مهاجران، به دلیل داشتن سرمایه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی بالاتر و تجربه زندگی به عنوان یک اقلیت، نقش بسیار مهمی در تأسیس و مدیریت سازمان‌های فرهنگی، مذهبی و سیاسی هندو در بریتانیا ایفا کردند و بخش قابل توجهی از کادرهای اصلی جنبش ناسیونالیسم هندو در این کشور را تشکیل دادند [۱۲].

۲-۱-۴. سیاست‌های هند برای جوامع دور از وطن (دیاسپورا)

برخلاف نبود سند رسمی جامع در خط‌مشی مهاجرتی هند به جز قانون مهاجرت (۱۹۸۳)، این کشور خط‌مشی‌های مشخصی در تعامل با

1. Indian Development and Relief Fund

2. Vishwa Hindu Parishad of America

۳. دیاسپورای مضاعف به گروه‌هایی گفته می‌شود که ابتدا از کشور اصلی خود به کشور دیگری مهاجرت کرده‌اند و سپس مجبور به مهاجرت مجدد به کشور سومی شده‌اند.

جوامع دیاسپورا دنبال می‌کند. به اعتقاد کارشناسان، هند با مشارکت فعال جوامع دیاسپورا، سیاست تعاملی قدرتمندی را در حال توسعه و تکامل دارد [۱۳].

۳-۱-۴. تاریخچه تعامل هند با جوامع دور از وطن (دیاسپورا)

در سابق، بی‌توجهی دولت هند به نیازها و نگرانی‌های جامعه دیاسپورا، به‌عنوان فرصتی از دست رفته برای بهره‌گیری از ظرفیت‌های این جامعه مورد انتقاد قرار گرفت [۱]. با گذر زمان و درک اهمیت راهبردی این جامعه، دولت هند تصمیم به تغییر نگرش خود در قبال جامعه دیاسپورا گرفت و مجموعه‌ای از اصلاحات و اقدامات را در حوزه‌های گوناگون آغاز کرد. این اقدامات که در چهار حوزه اداری، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی طبقه‌بندی می‌شوند، با هدف جذب منابع جامعه دیاسپورا برای پیشبرد اهداف توسعه‌ای و ارتقای جایگاه جهانی هند طراحی و اجرا شدند. در ادامه، سیر این تغییر نگرش و اقدامات برای تعامل با جامعه دیاسپورا تشریح خواهد شد.

الف) تغییر نگرش هند نسبت به جوامع دور از وطن (دیاسپورا) از سال ۱۹۸۵

روند تعامل دولت هند با جامعه دیاسپورای خود از دهه ۱۹۸۰ دستخوش تحولات اساسی شد. اگرچه دانش‌پژوهان نقطه عطف این تغییر را سال ۱۹۹۱ و همزمان با بحران اقتصادی می‌دانند، اما می‌توان آغاز این تحول را به سال ۱۹۸۵ و دوره نخست‌وزیری راجیو گاندی نسبت داد. در این سال، دو رویداد مهم مانند ایجاد ساختار نهادی برای تعامل با دیاسپورا و شکل‌گیری تعامل آشکار با این جامعه در راستای توسعه هند رخ داد [۱]. افزایش چشمگیر حواله‌های ارسالی از ۴۳۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۵ به ۲۷۵۷ میلیون دلار در سال ۱۹۸۰، نشان‌دهنده تأثیر این تغییر رویکرد بود. تأسیس بخش ویژه هماهنگی در وزارت امور خارجه در سال ۱۹۸۵ به‌عنوان نهاد مرکزی هماهنگ‌کننده امور هندی‌های خارج از کشور و شناسایی رسمی دیاسپورا به‌عنوان «مخزن مهارت، تخصص، فناوری و سرمایه‌گذاری» برای منفعت متقابل کشور مبدأ و مقصد، از جمله این اقدامات بود. همچنین، حمایت دولت از ابتکارانی مانند «کنوانسیون جهانی هندی‌های مقیم خارج» (نخستین نشست در سال ۱۹۸۹ در نیویورک) با هدف ایجاد همگرایی میان هندی‌های دیاسپورا در سراسر جهان، گام مهمی در این مسیر محسوب می‌شد [۱].

ب) تغییرات در خط‌مشی‌های توسعه‌ای و استفاده از ظرفیت جوامع دور از وطن (دیاسپورا)

در تابستان ۱۹۹۱، تحول عمیقی در خط‌مشی‌های توسعه‌ای و جهت‌گیری راهبردی هند رخ داد. بحران اقتصادی شدید، دولت را به سمت اجرای مجموعه اصلاحاتی سوق داد که نه تنها باعث بازتعریف ساختار اقتصادی شد، بلکه مسیر تعامل کشور با نظام بین‌الملل و نحوه مداخله عوامل خارجی در راهبردهای توسعه‌ای را دگرگون کرد. در این برهه حساس، وزیر دارایی وقت، با درک ضرورت تأمین ارز برای واردات حیاتی، رویکرد نوینی را در تعامل با هندی‌های غیرمقیم^۱ اتخاذ کرد [۱]. طیف‌نخبگان جامعه دیاسپورا، متشکل از متخصصان مستقر در آمریکای شمالی و اروپا، با برخورداری از منابع و ثروت قابل توجه، پتانسیل راهبردی برای احیای اقتصادی هند محسوب می‌شدند. همزمان، مهاجران هند در منطقه خلیج فارس نیز با حواله‌های ارزی چشمگیر (۳۲۸۹ میلیون دلار در سال ۱۹۹۱)، توان اقتصادی خود را به‌منصه ظهور رساندند. این تحول پارادایمی در رویکرد دولت، باعث تغییر نگرش عمیق در جامعه داخلی شد. در نتیجه هندی‌های مقیم خارج از «عناصر غیرقابل اعتماد» به «سرمایه‌های ارزشمند ملی» تبدیل شدند. این دگردیسی، ماهیت تعامل هند با جامعه دیاسپورا را از پیوندی صرفاً فرهنگی-عاطفی به رابطه‌ای عمل‌گرایانه و پایدار ارتقا داد.

نقطه اوج این تحول در سال ۱۹۹۸ و در پی آزمایش‌های هسته‌ای دولت جناح راست هند رقم خورد. در واکنش به محکومیت‌های اخلاقی و تحریم‌های اقتصادی جهان توسعه‌یافته، دولت با ابتکار «وراق قرضه بازسازی هند ۱۹۹۸»،^۲ به جامعه دیاسپورا، به‌ویژه نخبگان صاحب نفوذ

1. Non-Resident Indians (NRIs)

به افراد هندی تبار گفته می‌شود که خارج از هند زندگی می‌کنند و تابعیت هندی دارند. این افراد ممکن است به دلایل گوناگونی مانند کار، تحصیل یا اقامت بلندمدت، در کشورهای دیگر اقامت داشته باشند.

2. Resurgent India Bonds 1998

– کمیته عالی جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی هند

در ماه اوت ۲۰۰۰، دولت هند «کمیته عالی جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی هند»^۱ را با هدف درک عمیق‌تر جامعه دیاسپورا و تقویت پیوندهای متقابل تأسیس کرد [۱۱]. این کمیته سه مأموریت اصلی داشت:
۱. بررسی جامع خصوصیات، نیازها و انتظارات دیاسپورای هند،
۲. ارزیابی پتانسیل مشارکت مهاجران با اصالت هندی و هندی‌های مقیم خارج در توسعه همه‌جانبه هند،
۳. تدوین چارچوب سیاستی منعطف برای تسهیل مشارکت دیاسپورا در توسعه اقتصادی.
همچنین این کمیته تلاش کرد با برجسته‌سازی دستاوردهای دیاسپورا، فضای بی‌اعتمادی موجود در جامعه هند را به سمت همگرایی و همکاری سازنده هدایت کند.

– وزارت امور هندی‌های خارج از کشور^۲

در ماه مه ۲۰۰۴، دولت هند وزارت جدیدی را با عنوان «وزارت امور هندی‌های غیرمقیم» تأسیس کرد که بعدها به «وزارت امور هندی‌های خارج از کشور» تغییر نام یافت. این وزارتخانه به‌عنوان مرکز اصلی هماهنگی امور مرتبط با دیاسپورای هندی، مسئولیت تقویت و مدیریت روابط دوجانبه با سه گروه اصلی را برعهده گرفت: اشخاص با اصل و نسب هندی (PIO)، هندی‌های غیرمقیم (NRI) و شهروندان خارج از کشور هند (OCI)^۳ [۱۳]. برای بهره‌گیری از تجارب و دانش اعضای برجسته جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی هند، وزارت امور هندی‌های خارج از کشور در سال ۲۰۰۹ «شورای مشورتی جهانی نخست‌وزیر برای هندی‌های خارج از کشور» را تأسیس کرد. این شورا وظیفه ارائه مشاوره برای تدوین خط‌مشی‌ها، برنامه‌ریزی و مشارکت مستقیم نخست‌وزیر در فرایندهای مرتبط با جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی هند را برعهده داشت.

شکل ۵. وزارت امور هندی‌های خارج از کشور [۱۳]



1. High-Level Committee on the Indian Diaspora (HLC)
2. Ministry of Overseas Indian Affairs
3. Verseas Citizens of Indian



وزارت امور هندی‌های خارج از کشور برای پاسخگویی به نیازهای متنوع دیاسپورا، برنامه‌های خدماتی گسترده‌ای را طراحی و اجرا کردند. یکی از مهم‌ترین اقدامات این وزارتخانه، تأسیس «شورای اشتغال هندی‌های خارج از کشور» (ICOE) در سال ۲۰۰۸ بود. این شورا با انجام تحقیقات تجربی و تحلیلی، مستندسازی تجارب موفق و کمک به ظرفیت‌سازی در سطح استانی، نقش مهمی در بهبود وضعیت اشتغال دیاسپورای هندی ایفا می‌کند. چالش‌های جدی کارگران کم‌مهارت هندی، به‌ویژه در منطقه خلیج فارس و جنوب شرق آسیا، مانند سوءاستفاده‌های استخدامی و استثمار توسط کارفرمایان، به تأسیس «مرکز منابع کارگران خارج از کشور» منجر شد [۱]. این مرکز خدمات حمایتی متنوعی را برای مهاجران بالقوه ارائه می‌دهد.

با صرف نظر از زمینه تاریخی، خط‌مشی‌گذاران هند در اواخر قرن بیستم با یک جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی بزرگ و بسیار فعال روبه‌رو شدند که قصد داشتند با آن‌ها تعامل داشته باشند و کشور نیز می‌توانست با آن به‌عنوان یک منبع استراتژیک تعامل داشته باشد. این خط‌مشی به مدل هند برای تعامل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا) تبدیل شده است. هند یکی از پیشگامان در به رسمیت شناختن اهمیت جمعیت خارج از کشور خود و ایجاد یک چارچوب نهادی برای تعامل پایدار و متقابل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا) است. با ایجاد وزارت امور خارجه هندی‌های خارج از کشور، هند توجه اصلی به جامعه بزرگ هندی‌های خارج از کشور را به خود اختصاص داده است. خط‌مشی هند از ابتدا متوجه شد که یک جامعه هندی یکپارچه در خارج از کشور وجود ندارد. در واقع، جوامع گوناگونی در بین هندی‌های غیرمقیم وجود دارند که هر یک توانایی‌ها، تمایلات و انتظارات متفاوتی از تعامل با هند دارند. بنابراین، خط‌مشی‌ها بر توسعه یک استراتژی متمرکز شدند که بتوانند نقش‌ها و انتظارات متنوع این جوامع را در نظر بگیرند و تعامل و همکاری متقابل را به حداکثر برسانند [۱۳]. در جدول زیر اقدامات و خط‌مشی‌های هند برای تعامل با جوامع دور از وطن به ترتیب زمانی آورده شده است:

جدول ۴. اقدامات و خط‌مشی‌های هند در تعامل با جوامع خارج از کشور [۱۳]

سال	اقدام / سیاست	توضیحات
۱۹۸۵	ایجاد بخش هماهنگی ویژه در وزارت امور خارجه	این بخش برای هماهنگی مسائل مربوط به هندی‌های خارج از کشور تأسیس شد و دیاسپورا به‌عنوان «مخزن مهارت و سرمایه‌گذاری» شناخته شد.
۱۹۸۹	اولین کنوانسیون جهانی هندی‌های مقیم خارج	این رویداد برای ایجاد ارتباط و همبستگی بیشتر بین دیاسپورا و کشور مبدأ برگزار شد.
۱۹۹۱	مرآعه به هندی‌های مقیم خارج در پی تحریم‌های اقتصادی	دولت هند پس از بحران اقتصادی، به دیاسپورا روی آورد تا از ثروت و منابع آن‌ها برای تقویت اقتصاد کشور بهره‌برداری کند.
۱۹۹۸	اوراق قرضه بازسازی هند ۱۹۹۸	دولت هند برای مقابله با تحریم‌های اقتصادی و جلب سرمایه‌های دیاسپورا، این اوراق را منتشر کرد که با استقبال گسترده‌ای مواجه شد.
۲۰۰۰	تأسیس بخش «NRI/PIO»	بخش جدیدی در وزارت امور خارجه برای رسیدگی به مسائل دیاسپورا و بهبود هماهنگی بین نهادهای دولتی ایجاد شد.
۲۰۰۰	تأسیس کمیته عالی دیاسپورا ای هند	این کمیته برای مطالعه دیاسپورا و پیشنهاد راه‌های کمک آن‌ها به توسعه هند ایجاد شد.
۲۰۰۴	تأسیس وزارت امور هندی‌های خارج از کشور	این وزارتخانه برای مدیریت روابط و مسائل مرتبط با هندی‌های مقیم خارج از کشور تأسیس شد.
۲۰۰۹	تأسیس شورای مشورتی جهانی نخست‌وزیر برای هندی‌های خارج از کشور	این شورا با هدف مشاوره به دولت هند برای تدوین سیاست‌ها و مشارکت‌های دیاسپورا تأسیس شد.

علاوه بر این نهادها، تریبالات نهادی زیر در هند، برای تعامل بیشتر با جامعه جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی هند برقرار شده‌اند:

الف) مرکز تسهیل‌های خارجی از کشور^۱: یک مؤسسه غیرانتفاعی با همکاری کنفدراسیون صنایع هند (CII) برای خدمت به‌عنوان یک مرکز واحد برای مشارکت‌های اقتصادی، سرمایه‌گذاری و کسب و کار تأسیس شد.

ب) بنیاد توسعه هند^۲: یک بنیاد غیرانتفاعی که به‌عنوان یک پنجره واحد معتبر برای تسهیل فعالیت‌های خیریه جوامع دور از وطن (دیاسپورا) و هدایت سرمایه‌های خیریه‌های خارجی از کشور در راستای توسعه اجتماعی هند عمل می‌کند.

ج) مرکز مهاجرت هند^۳: یک جامعه غیرانتفاعی که به‌عنوان یک اتاق فکر راهبردی در زمینه مسائل مربوط به بازارهای اشتغال و کارگران هندی خارج از کشور فعالیت می‌کند.

د) شبکه جهانی دانش هندی^۴: یک پلتفرم الکترونیکی قدرتمند که به انتقال دانش با هدف استفاده از تخصص، مهارت‌ها و تجربیات هندی‌های خارج از کشور کمک می‌کند.

ه) شورای مشورتی جهانی نخست وزیر: به‌عنوان یک نهاد عالی‌رتبه برای بهره‌برداری از استعدادهای برتر هندی‌های خارج از کشور در هر کجا که باشند.

و) مرکز هندی‌های خارج از کشور^۵: در مأموریت‌های هند در واشنگتن و ابوظبی، به‌عنوان اولین قدم، برای خدمت به تشکیلات میدانی در مسائل مربوط به هندی‌های خارج از کشور فعالیت می‌کند. این مراکز و بخش‌های مشاوره‌ای/کارگری سفارت‌های هند، امدادهای اضطراری را به تمامی هندی‌های مقیم خارج از کشور، به ویژه کارگران و زنان در موقعیت‌های اضطراری، از طریق صندوق رفاه جامعه هندی (ICWF) ارائه می‌دهند. دفتر چه راهنمای اخیر سازمان بین‌المللی مهاجرت برای تعامل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا) ۶ اقدام برای تسهیل تعامل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا) را مشخص کرده است. این اقدامات به‌عنوان ابتکارات سیاستی توصیه می‌شوند که می‌توانند تعامل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا) را با ایجاد یک محیط مطلوب‌تر در کشور مبدأ برای این رابطه تقویت کنند. جدول زیر وضعیت استراتژی هند در هر یک از این حوزه‌ها را خلاصه می‌کند [۱۳].

1. The Overseas Indian Facilitation Centre (OIFC)
2. The India Development Foundation (IDF)
3. The India Centre for Migration (ICM)
4. The Global Indian Network of Knowledge (Global-INK)
5. Overseas Indian Centres (OIC)



جدول ۵. اقدامات برای تسهیل تعامل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا) با توجه به استراتژی هند

شماره	اقدام تعامل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا)	وضعیت سیاست هند
۱	قوانین انعطاف‌پذیر شهروندی و الزامات اقامت و ویزا	هند اجازه شهروندی دوگانه را نمی‌دهد، اما برنامه کارت شهروند هندی مقیم خارج ^۱ برای افراد با اصل و نسب هندی که شهروند کشورهای دیگر هستند و حق اقامت و اشتغال کامل دارند را فراهم می‌کند.
۲	حقوق سیاسی	حق رأی به افراد با اصل و نسب هندی که شهروند کشورهای دیگر هستند اعطا نشده است، اما هندی‌های مقیم خارج (NRI دارندگان گذرنامه هندی که در خارج مستقر هستند) حق رأی خود را با اصلاح قوانین ثبت نام رأی‌دهندگان مستقر در خارج احیا کرده‌اند.
۳	حقوق مالکیت خاص	جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی هندی که دارای کارت ایشخاص با اصل و نسب هندی یا کارت اقامت خارج از کشور هستند، حق خرید املاک در هند را دارند (به جز زمین‌های کشاورزی و کشت).
۴	معافیت‌های مالی	کاهش هزینه‌های گمرکی برای انتقال اقامت هندی‌های مقیم خارج که به هند باز می‌گردند، مانند حفظ وضعیت افراد هندی مقیم خار، انتقال وجوه برای امور خیریه و معافیت مالیاتی تا سه سال پس از بازگشت، در دسترس است.
۵	مزایای قابل حمل	از طریق موافقت‌نامه‌های تأمین اجتماعی (SSA)، مزایای بازنشستگی کارگران و حرفه‌ای‌های هندی که در خارج کار می‌کنند قابل انتقال و در کشورهای دارای SSA قابل تجمیع است.
۶	قوانین عمومی	برای ترویج سرمایه‌گذاری از جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی هندی، چندین مقررات برقرار شده است که شامل مشوق‌های ویژه برای سپرده‌های بانکی، سرمایه‌گذاری‌ها در بازار سهام و مقررات ویژه برای شهروند هندی مقیم خارج و افراد غیرمقیم هندی برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌شود. همچنین، برای تشویق به اشتغال هندی‌های خارج از کشور، اصلاحاتی در قوانین برای پزشکان، دانشمندان، دانشگاہیان و حسابداران در حال انجام است.

مأخذ: یافته‌های پژوهش.

۱. کارت Overseas Citizen of India (OCI) یک کارت شناسایی است که به افراد غیرمقیم هندی (NRIs) و افراد با اصالت هندی (PIOs) که شهروند کشورهای دیگر هستند، اعطا می‌شود. این کارت به دارنده آن اجازه می‌دهد تا از مزایای گوناگونی در هند برخوردار شود، مانند:
 ۱. اقامت طولانی مدت: دارنده کارت OCI می‌تواند بدون نیاز به ویزا در هند اقامت کند و به دفعات به کشور وارد و خارج شود.
 ۲. حقوق اقتصادی و مالی: شامل خرید ملک، سرمایه‌گذاری در کشور و استفاده از خدمات بانکی.
 ۳. تحصیل و کار: امکان تحصیل و اشتغال در هند به صورت مشابه با شهروندان هندی.
 کارت OCI حقوق کامل شهروندی را به دارنده نمی‌دهد؛ برای مثال، دارنده این کارت نمی‌تواند در انتخابات هند شرکت کند یا سمت‌های دولتی بالا را به عهده بگیرد. این کارت یک راه ارتباطی است که به افراد باریشه‌های هندی که تابعیت کشورهای دیگر را دارند، اجازه می‌دهد با کشور مبدأ خود ارتباط نزدیکتری داشته باشند.

۲-۴. چین

چینی‌های مقیم خارج، یکی از بزرگ‌ترین جوامع دور از وطن (دیاسپورا) در جهان را تشکیل می‌دهند. طبق آمار غیررسمی تخمین زده می‌شود که بیش از ۵۰ میلیون چینی در خارج از کشور خود زندگی می‌کنند [۱۴]. از نظر اقتصادی، نفوذ و سهم جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی در جامعه جهانی از قرن نوزدهم، زمانی که بازرگانان چینی شروع به راه اندازی اولین تجارت خود در کالیفرنیا کردند، قابل توجه بوده است [۱۵].

اثرگذاری این جامعه برای کشور و تنش در حوزه اقتصادی در سه جنبه خلاصه می‌شود که در ادامه گزارش، توضیح داده خواهد شد:

۱. بازار صادراتی،

۲. انتقال دانش و تکنولوژی،

۳. سرمایه‌گذاری خارجی.

۱-۲-۴. اثرگذاری جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چین بر کشور وطن

الف. بازار صادراتی

جوامع دور از وطن چینی نقش تعیین‌کننده‌ای در گسترش بازارهای صادراتی کشور خود ایفا می‌کنند. حضور چینی‌های مقیم خارج با افزایش جریان‌های تجاری دوطرفه بین کشورها مرتبط است. بر این اساس شبکه‌های هم‌نژاد چینی با کاهش هزینه‌های تجاری و تقویت اجرای قراردادها به تسهیل تجارت کمک می‌کنند. در واقع، هر چقدر تعداد چینی‌های مهاجر در یک کشور بیشتر باشد، چین بیشتر به آن کشور کالا صادر می‌کند و از آن کشور واردات انجام می‌دهد. برای مثال، اگر سهم چینی‌های مهاجر در یک کشور یک درصد افزایش یابد، صادرات چین به آن کشور بین ۱٫۷ تا ۳٫۱ درصد افزایش پیدا می‌کند و واردات چین از آن کشور هم حدود ۳ تا ۶ درصد افزایش می‌یابد. این افزایش در تجارت شبیه به کاهش تعرفه‌ها برای این کشورها عمل می‌کند. حتی پس از رسمی شدن روابط تجاری و امضای توافق‌نامه‌های تجاری رسمی (مانند توافق‌نامه‌های تجارت منطقه‌ای)، شبکه‌های غیررسمی چینی‌های مهاجر همچنان نقش مهم و قابل توجهی در تجارت دوطرفه دارند. نتایج نشان داده که چینی‌های مهاجر می‌توانند تقاضا برای محصولات چینی را در کشورهای میزبان افزایش دهند. علاوه بر این، جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی به علت ارتباطات گسترده و آشنایی با بازارها و قوانین چین، می‌تواند هزینه‌های تجارت را کاهش دهد و به توزیع و فروش بهتر محصولات چینی کمک کند؛ اما چون بیشتر صادرات چین به کشورهای توسعه‌یافته انجام می‌شود، این کاهش هزینه‌ها در مقایسه با واردات اهمیت کمتری دارد [۱۶].

چین پس از پیوستن به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، به‌طور کلی در تجارت جهانی رشد چشمگیری داشت. اما این رشد در برخی بخش‌ها بیشتر بود. مثلاً در سال ۲۰۱۵، دو بخش اصلی صادرات چین، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل و محصولات تولیدی دیگر بودند. از طرف دیگر، کالاهای اولیه و ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل، بیشترین واردات چین را تشکیل می‌دادند. به‌طور خاص، چینی‌های خارج از کشور به صادرات مواد غذایی و ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل و مواد شیمیایی توسط چین کمک زیادی کرده‌اند. در زمینه واردات نیز، این گروه به واردات مواد خام، ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل و مواد شیمیایی توسط چین کمک کرده‌اند. چین برای تأمین مواد خام خود به‌شدت به واردات وابسته است و به نظر می‌رسد که جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی در این زمینه نقش مهمی ایفا می‌کنند [۱۶].

ب) انتقال دانش و تکنولوژی

ارتباط بین تایوان و سیلیکون‌ولی از طریق جامعه فنی-فرهنگی جوامع دور از وطن (دیاسپورا)، اتفاق جدیدی نیست. با توسعه بخش‌های فناوری پیشرفته در چین، مانند صنایع کامپیوتر و نیمه‌هادی، دو منبع ارتباطی بین‌المللی به توسعه این بخش‌ها کمک کرد: اول، گسترش همکاری‌های بین سیلیکون‌ولی و تایوان و انتقال این ارتباطات به چین از طریق جذب سرمایه‌های تایوانی؛ و دوم، استفاده از تجربه تایوان و ایجاد ارتباط مستقیم بین سیلیکون‌ولی و چین با جذب افراد مستعدی که به چین بازمی‌گردند. از اواسط دهه ۱۹۹۰، بیشتر



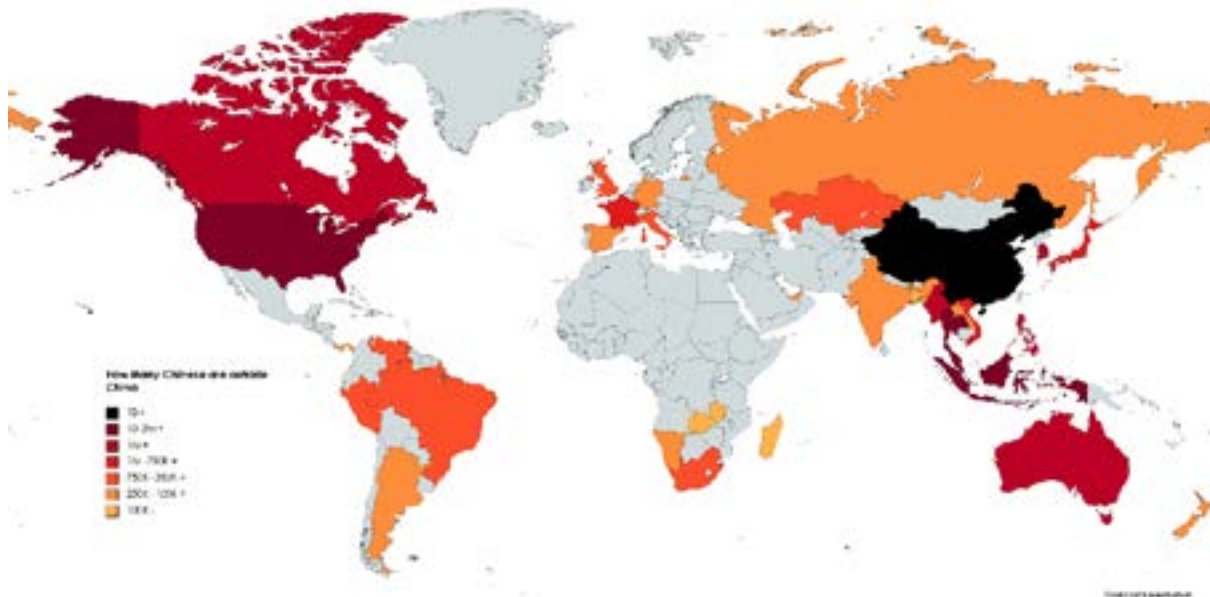
سرمایه‌گذاری‌های تایوانی در چین از بخش‌های سنتی مانند پوشاک و کفش به صنایع ارتباطی، به‌ویژه قطعات کامپیوتر و لوازم جانبی، منتقل شد. کمبود نیروی کار و هزینه‌های نسبتاً بالا باعث شد که صنایع کامپیوتری تایوانی به سمت چین مهاجرت کنند. در اواخر دهه ۱۹۹۰، همزمان با نزدیک شدن چین به عضویت در سازمان تجارت جهانی، تعدادی از سرمایه‌گذاران تایوانی شروع به ایجاد شرکت‌هایی برای بازاریابی در چین کردند. روابط اجتماعی و فرهنگی جوامع دور از وطن (دیاسپورا) به همکاری بین شرکت‌های فناوری پیشرفته تایوانی و هم‌تایان چینی آن‌ها در توسعه محصولات جدید و کشف بازارهای تازه کمک کرد. برای مثال، در پروژه مشترک بین گروه First International Computer تایوان و شرکت Legend Computer چین، مهندسان تایوانی به کارخانه جدید در شانگهای رفتند تا لپ‌تاپ تولید کنند و این همکاری به ایجاد یک رابطه پیمانکاری پایدار منجر شد [۱۷].

سرمایه‌گذاران چینی با دارا بودن سرمایه و تخصص در تولیدات و بازارهای صادراتی و با پذیرش ریسک بالا، به چین کمک کردند تا در دوره‌ای که همکاری با سرمایه‌داری یک رویکرد بحث‌برانگیز بود، تولیدات رقابتی در بازارهای جهانی ایجاد کند و نقش مهمی در بازگشت چین به اقتصاد جهانی داشته باشد. این امر به چین کمک کرد تا با ایجاد مزاد تجاری و ذخایر ارز خارجی، بخش‌های قدرتمند مانند شرکت‌های دولتی و ارتش را از طریق سرمایه‌گذاری در نوسازی راضی نگه دارد. این نوع سرمایه‌گذاری اجتماعی در اوایل دوران اصلاحات چین بسیار مفید بود، اما با پیشرفت اصلاحات و ورود چین به سازمان تجارت جهانی (WTO)، نیاز به الگوهای جدید جذب سرمایه‌گذاری احساس شد. ارتباطات بین تایوان و سیلیکون‌ولی و جامعه فنی فراملی که در حال شکل‌گیری بود، دیدگاه‌های جدیدی درباره نقش شبکه‌های شخصی و روابط اجتماعی در سرمایه‌گذاری چینی‌های خارج از کشور و توسعه فعلی چین ارائه داده است. یکی از این دیدگاه‌ها تفاوت بین روابط فرهنگی و اجتماعی جوامع دور از وطن (دیاسپورا) در صنایع فناوری با صنایع دیگر است. در ابتدا، این روابط به کاهش هزینه‌ها و افزایش اعتماد کمک کردند، اما با گذر زمان، اهمیت آن‌ها بیشتر در شناسایی و جذب استعداد‌های مناسب دیده شد [۱۷].

ج) سرمایه‌گذاری‌های خارجی

بزرگ‌ترین کمک جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی به فرایند تحول کشور، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بود که توسط جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی انجام شد. به گفته ناتون، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی تغییرات مهمی در مدیریت، تجربه، باز کردن بازارها، فناوری و منابع انسانی داشت. با کمک سرمایه‌گذاری‌های خارجی از سوی جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی، چین به سطح قابل توجهی از رفاه در دوران دنگ شیائوپینگ دست یافت [۱۸]. پذیرش سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۱۹۷۹ برای چین یک انقلاب بود. در ابتدا، این تصمیم با ریسک‌ها و نگرانی‌های زیادی همراه بود و اصلاحات اقتصادی به تدریج و با احتیاط پیش رفت. بحران مائوئیسم و ظهور اقتصادهای نوظهور آسیایی باعث شد که رهبران چین عناصری از بازار و سرمایه‌داری را با تلاش برای کنترل آن‌ها بپذیرند. هدف چین جذب سرمایه‌گذاری خارجی و کنترل آن به‌ویژه حفظ کنترل مرکزی بر جامعه بود. مشکلات اولیه‌ای که از اهداف ظاهراً متناقض به وجود آمد، تا حدی با اتکا به گروه‌هایی از سرمایه‌گذاران خارجی که حس میهن‌پرستی و تعهد به چین داشتند، کاهش یافت. این افراد اغلب فرهنگی مشابه یا حداقل سازگار با فرهنگ چینی داشتند. به این ترتیب، نیاز به تغییر سریع نهادها و قوانین کاهش یافته یا به تأخیر می‌افتاد. برای سرمایه‌گذاران چینی خارج از کشور نیز، انگیزه‌ها اغلب ترکیبی پیچیده از تمایل به کمک به زادگاه یا خویشاوندان خود و کسب سود از فرصت‌های تازه باز شده بود [۱۷].

شکل ۶. جمعیت جوامع دور از وطن چینی در سراسر دنیا [۱۷]



در نهایت می‌توان گفت که اقتصاد چین با وجود مشکلات زیادی که در مراحل اولیه توسعه‌اش داشته، به دلیل دو عامل رشد کرده است: نزدیکی به هنگ کنگ و تایوان و کمک سرمایه‌های چینی‌های خارج از کشور. بدون این سرمایه‌ها، شرکت‌های خصوصی در چین به دلیل ناتوانی در گرفتن وام از بین می‌رفتند. همچنین، اگر این سرمایه‌های خارجی به شرکت‌های چینی کمک نمی‌کردند تا در محیط تجاری پیچیده چین موفق شوند، سرمایه‌گذاری خارجی از چین دور می‌شد. به همین دلیل، سرمایه‌های چینی‌های مهاجر در سال‌های اول اصلاحات اقتصادی چین بسیار مهم بود، حتی اگر این اهمیت پس از ورود چین به سازمان تجارت جهانی (WTO) کمتر شده باشد [۱۷].

۲-۴. سیر سیاست‌های چین برای جوامع دور از وطن (دیاسپورا)

خط‌مشی دولت چین در ارتباط با جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی به‌طور مداوم در حال تغییر است. در دوره‌های اولیه تأسیس چین، جامعه جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی که در خارج از کشور توزیع شده بود، به‌عنوان یک تهدید در نظر گرفته می‌شد؛ اما در طول زمان، تغییراتی در این خط‌مشی ایجاد شد. دولت چین به اهمیت تلاش‌های مدرن‌سازی جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی پی برد و با افزایش قدرت اقتصادی و نرم چین، جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی به بخشی جدایی‌ناپذیر از رشد اقتصادی و اجرای سیاست خارجی آن تبدیل شد [۱۸].

الف) تحول در خط‌مشی چین: از بهره‌برداری سیاسی تا تقویت روابط با جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی

دیدگاه چین نسبت به مسئله جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی در جنوب شرق آسیا براساس دو ملاحظه بود: سودمندی جوامع دور از وطن چینی برای کشور و نیاز به تحقق خط‌مشی همزیستی مسالمت‌آمیز. اگر جمهوری خلق چین واقعاً علاقه‌مند به بهبود روابط دیپلماتیک خود با کشورهای جنوب شرق آسیا بود، باید می‌توانست فرضیه‌ای را که می‌گوید این کشور از جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی فقط برای اهداف سیاسی استفاده می‌کند، از بین ببرد.

برخلاف این چالش‌ها، چین برای اجرای برنامه مدرن‌سازی خود به سرمایه و تخصص نیاز داشت. دولت چین به خوبی می‌دانست که جوامع دور از وطن چینی می‌تواند منبع ایدئالی برای تأمین این سرمایه و تخصص از طریق ارتباط با کارشناسان باشد [۱۸]. بنابراین، گفتمان سیاسی



به‌طور اساسی تغییر کرد و از محکوم کردن مهاجران چینی به تحسین آن‌ها به‌عنوان قهرمانانی که برای آینده چین ضروری بودند، گذر کرد. رهبر جدید، دنگ شیائوپینگ، این جهت‌گیری سیاسی جدید را با اعلام این که روابط با چینی‌های خارج از کشور «اتفاق خوبی است که چین به آن نیاز بیشتری دارد»، ابراز کرد. او همچنین بارها به وفاداری جوامع دور از وطن (دیاسپورا) اشاره کرد و نقش تاریخی آن‌ها در توسعه چین را یادآوری کرد [۱۹].

برای مدیریت بازگشت جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی، نهادهای دولتی به‌سرعت در سطح شورای دولتی چین بازسازی شدند. در سال ۱۹۷۴، کمیسیون امور چینی‌های خارج از کشور^۱ دوباره تأسیس شد، زیرا دولت چین بیشتر متوجه نیاز به جذب سرمایه‌های خارجی و تشویق جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی برای ارسال حواله به کشور شده بود. دولت چین در اواخر دهه ۱۹۷۰ تلاش کرد تا روابط خود را با جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی، به‌ویژه روشن‌فکران، متخصصان و بازرگانان برقرار کرده و آن‌ها را تشویق به بازدید، تحصیل، سرمایه‌گذاری و زندگی در چین کند. این بازسازی روابط دشوار بود، زیرا بسیاری از جوامع دور از وطن چینی از گذشته دچار تروما شده بودند و نگرانی از وقوع دوباره چنین رخدادهایی آن‌ها را وادار به ترک چین کرده بود. دنگ شیائوپینگ برنامه‌ای برای جذب ۴۰۰ دانشمند جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی برای کار در چین داشت. این تلاش در نهایت موفق بود، زیرا بسیاری از روشن‌فکران و دانشمندان چینی تمایل داشتند نه به‌عنوان شهروند دائمی، بلکه فقط برای یک بازدید کوتاه به چین بازگردند، زیرا امکانات کافی برای زندگی دائمی وجود نداشت [۱۸]. به همین خاطر سازمانی به نام فدراسیون کل چین برای بازگشت‌کنندگان چینی^۲ تأسیس شد تا اعتماد چینی‌های بازگشته به خط‌مشی‌های جدید جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چین را بازسازی کند [۱۹].

در سال ۱۹۷۸، دولت چین برای بازگشت‌کنندگان و خویشاوندان آن‌ها مزایای ویژه‌ای در نظر گرفت که شامل برابری با دیگر شهروندان چینی و در برخی موارد، امتیازات خاصی مانند اشتغال، تحصیلات و برنامه‌ریزی خانواده بود. این خط‌مشی‌ها در سال ۱۹۹۰ با تصویب «قانون جمهوری خلق چین درباره حفاظت از حقوق و منافع چینی‌های بازگشته و خویشاوندان چینی‌های خارج از کشور» به‌طور قانونی تأیید شد. برای پیشبرد بیشتر پتانسیل منابع جوامع دور از وطن (دیاسپورا) مانند سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی و تخصص‌ها، دولت چین از مطرح کردن درخواست‌های سیاسی مستقیم از چینی‌های خارج از کشور خودداری کرد.

1. Overseas Chinese Affairs Office

2. All-China Federation of Returned Overseas Chinese

شکل ۷. فدراسیون کل چین برای بازگشت کنندگان چینی [۱۹]



ب) تکامل خط‌مشی‌های چین در تعامل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی

با ورود به هزاره جدید، چین با رشد اقتصادی پایدار، به یک قدرت بزرگ اقتصادی جهانی تبدیل شد. پس از بحران مالی ۱۹۹۷ و پیوستن به سازمان تجارت جهانی در سال ۲۰۰۱، چین به موتور اقتصادی آسیا بدل شد. توافق‌نامه‌های تجارت آزاد، روابط دیپلماتیک قوی‌تری با کشورهای جنوب شرقی آسیا ایجاد کرد و چینی‌های جوامع دور از وطن به‌عنوان دارایی‌های اقتصادی مهم شناخته شدند. در سال ۲۰۰۴، هو جینتائو تأکید کرد که سیاست خارجی چین باید به مردم خدمت کند و از شهروندان مقیم خارج حمایت کند. این تغییر سیاست نشان‌دهنده نیاز چین به حفاظت از فعالیت‌های اقتصادی جهانی خود بود و تمرکز را از جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی مالی قوی به سمت «مهاجران جدید» تغییر داد. دولت چین به‌طور منظم تلاش می‌کند تا جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی در سراسر جهان را برای بهبود قدرت نرم خود جذب کند. در سال ۱۹۹۸ و با دستور رئیس‌جمهور جیانگ زمین، سرمایه‌گذاری‌های دولت در بخش دانشگاهی و تحصیلات تکمیلی به شدت افزایش یافت. دولت در قبال این سرمایه‌گذاری‌ها از دانشگاه‌ها خواست تا نخبگان چینی را جذب کنند [۲۰]. اقدامات انجام شده برای تأیید اهمیت نقش جوامع دور از وطن (دیاسپورا) شامل سازماندهی کنوانسیون‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی و اعزام نخبگان حزبی برای ملاقات با جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی در خارج از کشور است [۱۸]. از طریق این دو اقدام، دولت چین ارتباط خود را با جوامع دور از وطن (دیاسپورا) در بسیاری از کشورها حفظ کرد. برای مثال، در سال ۲۰۰۱، مقامات ارشد دفتر امور چینی‌های خارج از کشور از بیش از بیست کشور بازدید کردند تا با شخصیت‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی در آن کشورها ملاقات کنند. برنامه هزار استعداد، مهم‌ترین برنامه جذب نخبگان کشور چین در سال ۲۰۰۸ با مدیریت حزب کمونیست چین کار خود را آغاز کرد. برنامه هزار استعداد در درجه اول آن دسته از شهروندان چینی را که در دوره‌ها و برنامه‌های ممتاز در خارج از کشور تحصیل کرده‌اند و به‌عنوان کارآفرین و محقق موفق بوده‌اند، هدف قرار می‌دهد و برای آن‌ها امتیازات ویژه ویزایی و پرداخت حقوق بالا در نظر می‌گیرد [۲۰].

چنین اقداماتی به چین فرصتی داد تا خود را به‌عنوان یک قدرت مسئول و اخلاقی معرفی کند و به جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی در



سراسر جهان اطمینان دهد که از آن‌ها حمایت خواهد کرد. این اقدامات همچنین به چین کمک کرد تا قدرت نرم و قدرت دریایی خود را در صحنه جهانی افزایش دهد. تأسیس مؤسسات کنفوسیوس در سراسر جهان و برگزاری رویدادهای بین‌المللی بزرگ مانند بازی‌های المپیک ۲۰۰۸ از جمله تلاش‌ها در زمینه خط‌مشی‌های تقویت قدرت نرم بود. همزمان با این استراتژی، سه هدف بلندمدت خط‌مشی‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا) چین نیز تأیید شد:

- جذب سرمایه‌گذاری و استعدادها،
- حفاظت و تقویت وحدت ملی،
- تولید قدرت نرم از طریق دیپلماسی عمومی.

تغییر تمرکز بر جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی تأثیراتی بر خط‌مشی‌های چین نسبت به جوامع دور از وطن (دیاسپورا) و همچنین ساختارهای نهادی دولت چین برای اجرای این خط‌مشی‌ها داشته است. چین نیز مانند سایر کشورها، بوروکراسی‌های گسترده‌ای را برای رسمی کردن روابط با جوامع دور از وطن (دیاسپورا) ایجاد کرده است. به‌عنوان مثال، فدراسیون کل چین برای بازگشت کنندگان چینی شبکه خود را از ۸۰۰۰ به ۱۸۴۰۰ نمایندگی در سراسر چین افزایش داد و همچنین به استخدام ۱۰۷ مشاور از میان چینی‌های برجسته در ۲۲ کشور اقدام کرد [۱۹].

در جدول زیر اقدامات و خط‌مشی‌های چین در قبال جوامع دور از وطنش به ترتیب زمانی آمده است:

جدول ۶. خط‌مشی‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چین بر اساس ترتیب زمانی

شماره	خط‌مشی/اقدام	توضیحات
۱	رویکرد تهدیدآمیز به جوامع دور از وطن (دیاسپورا)	در دوره‌های اولیه تأسیس چین، جوامع دور از وطن (دیاسپورا) به‌عنوان تهدید در نظر گرفته می‌شد.
۲	تغییر گفتمان و تحسین جوامع دور از وطن (دیاسپورا)	تغییر گفتمان سیاسی از محکوم کردن مهاجران به تحسین آن‌ها به‌عنوان قهرمانان
۳	تأسیس مجدد کمیسیون امور چینی‌های خارج از کشور	برای مدیریت بازگشت جوامع دور از وطن (دیاسپورا) و جذب سرمایه‌های خارجی
۴	احیای فدراسیون کل چین برای بازگشت کنندگان چینی	برای بازسازی اعتماد جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی به سیاست‌های جدید
۵	تصویب قانون حمایت از حقوق و منافع چینی‌های بازگشته	قانونی کردن سیاست‌های حمایت از جوامع دور از وطن (دیاسپورا)
۶	برنامه ۹۸۵	سرمایه‌گذاری‌های دولت در بخش دانشگاهی و تحصیلات تکمیلی و جذب نخبگان چینی
۷	سازماندهی کنوانسیون‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی و اعزام نخبگان حزبی برای ملاقات با جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی	مقامات ارشد دفتر امور چینی‌های خارج کشور از بیش از بیست کشور بازدید کردند تا با شخصیت‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی چینی در آن کشورها ملاقات کنند
۸	برنامه هزار استعداد	جذب نخبگان چینی در خارج از کشور و ارائه امتیازات ویژه
۹	تأسیس مؤسسات کنفوسیوس و تقویت قدرت نرم	اقدامات برای افزایش قدرت نرم چین در جهان
۱۰	کنفرانس کاری امور جوامع دور از وطن (دیاسپورا)	تأکید بر نقش جوامع دور از وطن (دیاسپورا) به‌عنوان سفیران عمومی چین

مآخذ: همان.

۳-۲-۴. خط‌مشی دیاسپورای دیجیتال

در دهه‌های اخیر، خط‌مشی چین در قبال دیاسپورای خود با ظهور فناوری‌های دیجیتال، وارد مرحله جدیدی شده که می‌توان آن را «دیاسپورای دیجیتال» نامید. در این مرحله، از پلتفرم‌های دیجیتال، به‌ویژه اپلیکیشن وی‌چت، به‌عنوان ابزاری راهبردی برای تعامل، بسیج و حتی کنترل دیاسپورای جهانی خود استفاده می‌کند. وی‌چت برای چینی‌های خارج از کشور، فراتر از یک پیام‌رسان ساده عمل می‌کند؛ این پلتفرم یک اکوسیستم کامل است که ارتباطات اجتماعی، دسترسی به اخبار، خدمات مالی و تجارت الکترونیک را یکپارچه می‌سازد و به دیاسپورا اجازه می‌دهد تا ارتباطات قوی و روزمره خود را با خانواده و دوستان در چین حفظ کرده و یک فضای فرهنگی مشترک ایجاد کند. با این حال، این پلتفرم یک کارکرد دوگانه دارد. از یک سو، با تسهیل ارتباطات و تجارت، به توانمندسازی اقتصادی و اجتماعی دیاسپورا کمک می‌کند؛ از سوی دیگر، به دولت چین این امکان را می‌دهد که روایت‌های رسمی خود را ترویج داده و بر گفتمان‌های سیاسی در میان جوامع دور از وطن نظارت و کنترل داشته باشد. البته محتوای به اشتراک گذاشته شده در وی‌چت تحت قوانین سانسور چین قرار دارد و این موضوع، یک مدل جدید از «حکمرانی فراملی دیجیتال» را به نمایش می‌گذارد که در آن دولت می‌تواند نفوذ خود را بر شهروندان، فارغ از مرزهای جغرافیایی، گسترش دهد [۲۱].

۳-۴. کره جنوبی

جوامع دور از وطن کره‌ای با بیش از یک قرن سابقه، همچنان در حال شکل‌گیری و گسترش است. این جامعه شامل افرادی است که به‌صورت ارادی یا غیرارادی کره را ترک کرده اما همگی به‌طور فعال در تلاش‌اند تا هویت جمعی و فرهنگ خود را به‌عنوان کره‌ای حفظ کنند. خصوصیت بارز این جوامع، برخورداری از اخلاق همدلی و همبستگی و مهم‌تر از آن، تلاش برای حفظ ارتباط با سرزمین مادری است. تأثیرگذاری این جوامع بر اقتصاد کشور مبدأ از سه مسیر اصلی امکان‌پذیر است:

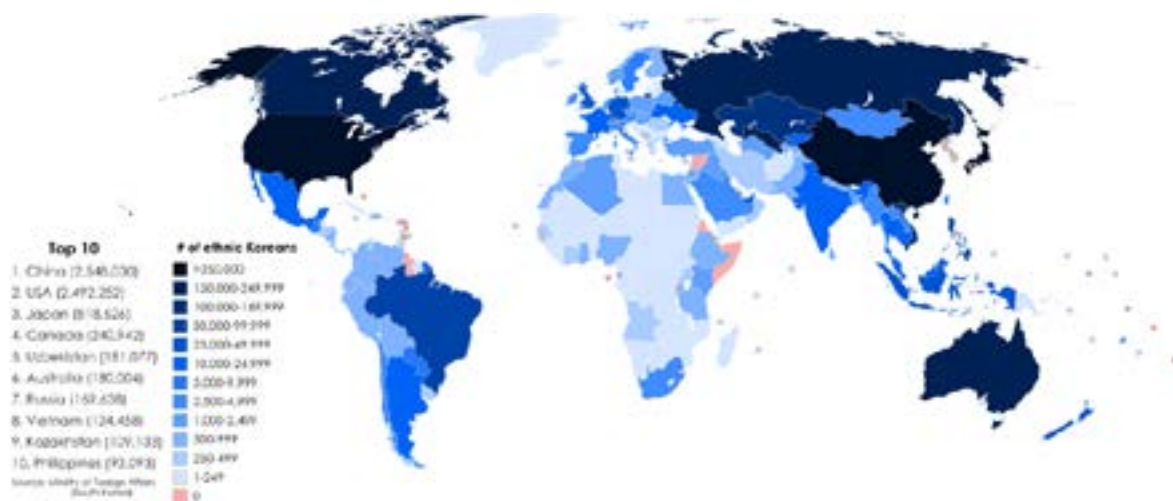
۱. تأثیر بر جریان‌های تجارت و سرمایه‌گذاری در اقتصاد کشور مبدأ،

۲. تأثیر بر تراز پرداخت‌های کشور مبدأ از طریق انتقال وجه بین مهاجران و خانواده‌های آن‌ها،

۳. تأثیر بر منابع انسانی و بازار کار کشور مبدأ.

ارزیابی تأثیر جوامع دور از وطن کره‌ای بر تجارت کره جنوبی نشان می‌دهد که کره‌ای‌های مقیم خارج، فرصت‌های تجاری بیشتری را از طریق واردات و فروش محصولات کره‌ای در کشور محل اقامت خود (در مقایسه با صادرات محصولات کشور میزبان به کره جنوبی) ایجاد می‌کنند. این امر احتمالاً به دلیل رقابتی بودن محصولات کره‌ای است. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که دیاسپورای کره‌ای، ضمن تسهیل تجارت دوجانبه، به‌ویژه در افزایش صادرات نسبت به واردات نقش مؤثرتری ایفا می‌کند [۲۲].

شکل ۸. تعداد جمعیت کره‌ای‌های دور از وطن در کشورهای گوناگون دنیا [۲۲]



بنابراین، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نقش چشمگیری در توسعه اقتصادی کره نداشته است. میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط دیاسپورای کره‌ای، به‌ویژه در مقایسه با دیاسپورای چینی، قابل توجه نبوده است. با این حال، در مراحل اولیه توسعه اقتصادی کره جنوبی، مقداری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سوی دیاسپورای کره‌ای، به‌خصوص کره‌ای‌های مقیم ژاپن، صورت گرفته است. الگوی غالب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کره، عمدتاً به دلیل قوانین و محدودیت‌های موجود، از طریق سهام اقلیت در سرمایه‌گذاری‌های مشترک بوده است. اما این الگو پس از بحران اقتصادی کره تغییر کرد. به این صورت که آزادسازی قوانین سرمایه‌گذاری خارجی باعث افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کره در سال‌های اخیر شده است [۲۲]. روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کره جنوبی، افزایش قابل توجهی را در بخش‌های خدماتی، به‌ویژه در حوزه‌های فناوری اطلاعات و مالی نشان می‌دهد. برای مثال، رئیس سون ماسایوشی از شرکت سافت‌بانک ژاپن، سرمایه‌گذاری چشمگیری در صنایع نرم‌افزاری و مرتبط انجام داده است. اگرچه این میزان سرمایه‌گذاری خارجی در مقایسه با سرمایه‌گذاری دیاسپورای چینی در چین قابل مقایسه نیست، اما نشان‌دهنده علاقه فزاینده کره‌ای‌های مقیم خارج به سرمایه‌گذاری در کره است.

۱-۳-۴. خط‌مشی‌های جوامع دور از وطن کره جنوبی

همان‌طور که گفته شد، میلیون‌ها کره‌ای در خارج از شبه‌جزیره کره و به‌ویژه خارج از مرزهای کره جنوبی زندگی می‌کنند. اما برای حداقل چهار دهه، هیچ تلاش معنادار و نهادینه‌شده‌ای برای ارتباط جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی کره‌ای صورت نگرفت. در ادامه به روند خط‌مشی‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی کره و تعامل با این گروه، پرداخته می‌شود.

دولت کره جنوبی تا اواسط دهه ۱۹۹۰ به‌طور عمده جوامع دور از وطن خود را نادیده گرفته بود. به‌طور خاص، از زمان دولت پارک چونگ-هی، یک برنامه دولتی برای «بازگشت معکوس مغزها»، شاید اولین برنامه از این نوع در جهان بود، ایجاد شد تا دارندگان مدرک دکترای تحصیل کرده در غرب را برای بازگشت به کره جنوبی ترغیب کند [۲۳]. این افراد نیز فقط تا جایی که دانش و مهارت‌های خود را به کره جنوبی باز می‌گرداندند تا به پیشرفت فناوری و اقتصادی کشور کمک کنند، به‌عنوان قهرمانان ملی تلقی می‌شدند.

برای اعضای بلندمدت جوامع دور از وطن کره‌ای در کشورهای غربی، از جمله نسل‌های بعدی آن‌ها، وضعیت متفاوت بود. در واقع، پیش از دهه ۱۹۹۰، مهاجرت کره‌ای‌ها به کشورهای غربی اغلب، به‌عنوان خیانت به ملت کره تلقی می‌شد. در عین حال، در سال ۱۹۹۶، رئیس‌جمهور کیم تأسیس بنیاد کره‌ای‌های خارج از کشور^۱ را تحت نظارت وزارت امور خارجه و تجارت تأیید کرد. بنیاد کره‌ای‌های خارج از کشور به‌منظور

1. Overseas Koreans Foundation

«حمایت از کره‌ای‌های خارج از کشور و فعالیت‌های آن‌ها» طراحی شده بود و از این دیدگاه می‌توان به آن به‌عنوان اولین گام رسمی به‌سوی شناسایی نهادی جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی کره‌ای اشاره کرد.

شکل ۹. بنیاد کره‌ای‌های خارج از کشور در حال جذب شرکت‌کنندگان [۲۳]



تنها یک سال بعد، در سال ۱۹۹۷، بحث‌های جدی درباره ایجاد یک مسیر نهادی برای ارتباط کره‌ای‌های مهاجر با کره جنوبی آغاز شد. این موضوع، به‌طور تصادفی، با بحران مالی آسیایی همزمان شد، که تأثیر مخربی بر چندین کشور آسیایی، از جمله کره جنوبی داشت. در اوج بحران، کره جنوبی با چشم‌انداز واقعی ناتوانی در پرداخت بدهی‌های خارجی خود روبه‌رو شد و استفاده از جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی کره‌ای به‌عنوان یکی از راه‌های کاهش فشار اقتصادی دیده می‌شد.

الف) پذیرش جوامع دور از وطن (دیاسپورا)

تصویب قانون بنیاد کره‌ای‌های خارج از کشور، که به‌دنبال آن چند سال بعد یک لایحه مهم‌تر تصویب شد نشان می‌دهد که چرخش ناگهانی کره جنوبی به سوی تعامل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا)، از جهتی اقدامی مهم بوده است. برخی ممکن است استدلال کنند که تنها چیز مهم وجود یک محرک مناسب بود، مانند پایان جنگ سرد یا یک بحران اقتصادی نزدیک به فاجعه، که ظاهراً خط‌مشی‌گذاران کره جنوبی را مجبور کرد تا سرانجام به ارزش (اقتصادی) هم‌وطن‌های کره‌ای خود در مناطق ثروتمندتر جهان پی ببرند [۲۳]. به این نکته باید توجه کرد که «پذیرش» وطن توسط جوامع دور از وطن و بالعکس تنها در صورتی منطقی است که افراد باور داشته باشند که ارتباط یا پیوند قومی-ملی واقعی وجود دارد.

ب) جوامع دور از وطن (دیاسپورا) به‌عنوان یک سرمایه ملی

از دهه ۱۹۸۰، برخی از رهبران تجاری کره جنوبی شروع به معرفی جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی کره‌ای به‌عنوان یک سرمایه ملی کردند. یک مثال خوب رئیس هیوندای، چونگ جو یانگ، است. بدون شک، چونگ و سایر فعالان شرکت‌ها عمدتاً توسط منافع مادی انگیزه می‌گرفتند. این موضوع به وضوح در اقدامات چونگ مشهود است. در دهه ۱۹۸۰، هیوندای - یکی از بزرگ‌ترین و تأثیرگذارترین شرکت‌های



تجاری کره جنوبی که به‌عنوان «چانبول» شناخته می‌شود - به‌شدت به منابع طبیعی یا مواد خام، مانند نفت، گاز و چوب نیاز داشت (در آن زمان، تجارت هیوندای به‌شدت بر صنایع سنگین مانند کشتی‌سازی، ساخت‌وسازهای بزرگ‌مقیاس و تولید خودرو متمرکز بود). با این حال، به منابع مهم و مواد خام، شرکت‌های آمریکایی، اروپایی و ژاپنی تسلط داشتند. به همین دلیل بود که چونگ تصمیم گرفت با رهبران اتحاد جماهیر شوروی و چین روابط برقرار کند، زیرا بازارهای منابع آن‌ها هنوز توسط شرکت‌های غربی و ژاپنی دست‌نخورده باقی مانده بود. در واقع، او اولین رهبر تجاری کره جنوبی بود که به اتحاد جماهیر شوروی سفر کرد [۲۳]. بنابراین چونگ توجه خود را فقط به تماس مستقیم با رهبران سیاسی محدود نکرد. او همچنین به‌طور صریح اهمیت کره‌ای‌های نژادی در چین و روسیه را برجسته کرد و در این بین از لفاظی‌های ملی‌گرایانه علیه رقبای ژاپنی هیوندای استفاده کرد. در سال ۱۹۹۰، گروه هیوندای پروژه توسعه جنگل سیبری را که یک سرمایه‌گذاری مشترک ۵۰ میلیون دلاری بین هیوندای و اتحاد جماهیر شوروی، برای واردات چوب از «سوتلایا» بود را آغاز کرد (واقع در شرق دور شوروی آن زمان).

چرخش کره جنوبی به سمت تعامل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا) بخشی از یک روند جهانی بود و یک فرایند عمومی را منعکس می‌کرد. این شرایط، شامل تغییرات ژئوپلیتیکی (مانند پایان جنگ سرد)، پویایی‌های اقتصادی جهانی و ایجاد یک رژیم نرم جدید و فراملی درباره حقوق بشر است [۲]. نقطه عطف محوری خط‌مشی‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا) بی‌این کشور، قانون مهاجرت و وضعیت قانونی کره‌ای‌های خارج از کشور در سال ۱۹۹۹ بود. قانون کره‌ای‌های خارج از کشور، از بسیاری جهات، مهم بود، زیرا این اولین خط‌مشی عمده‌ای بود که به‌طور خاص به منظور ادغام کره‌ای‌های دیاسپورا - به‌ویژه آن‌هایی که تابعیت کره‌ای نداشتند - در جامعه کره جنوبی طراحی شده بود.

۴-۴. ایرلند

مهاجرت تاریخی ایرلندی‌ها در سده نوزدهم میلادی را می‌توان یکی از عظیم‌ترین جریان‌های مهاجرتی در تاریخ معاصر اروپا قلمداد کرد، که هم از منظر کمیت مطلق مهاجران و هم از نظر نسبت جمعیتی مهاجرین به کل جمعیت، حائز اهمیت است [۲۴]. این جمعیت پراکنده در اقصی نقاط جهان، همچنان پیوندی عمیق و ناگسستنی با سرزمین مادری خود خواه از طریق تجربه مستقیم مهاجرت و خواه از رهگذر میراث نسل‌های پیشین مهاجر حفظ کرده‌اند. این افراد که داعیه‌دار هویت ایرلندی هستند، تانسل سوم (با داشتن حداقل یک جد ایرلندی‌الاصل) از حق اخذ تابعیت ایرلند برخوردارند. دیاسپورای ایرلندی در کانون روایات و گفتمان‌های تبعید قرار دارد که به واکاوی و نقد ابعاد فرهنگی «بازگشت به ریشه‌ها» و «مهاجرت» می‌پردازد. این اجتماع همچنین در شکل‌دهی به برداشت‌های نوین از مفاهیم هویت و تعلق ملی نقشی اساسی ایفا می‌کند [۲۵].

شکل ۱۰. کشورهای با بیشترین جمعیت ایرلندی‌های دور از وطن [۲۵]



تاریخ دیاسپورای ایرلندی روایتی پیچیده و پویا از مهاجرت‌های مکرر است که در آن تروما و ثبات، محنت و رفاه، صلح و نزاع، حافظه و فراموشی و دوری و قرابت درهم می‌آمیزند. این تقابل‌ها ضرورت بازاندیشی، بازتعریف و بازروایت مداوم مفهوم دیاسپورا را آشکار می‌کند [۲۵]. چالش‌های داخلی ایرلند، علاوه بر شکل‌دهی به رفتار جوامع میزبان، بر چگونگی روایت و ادراک تجربه مهاجران نیز تأثیر می‌گذارد. این روایات، اعم از واقعی یا تخیلی، غالباً با تکیه بر اساطیر و ادبیات عامه‌پسند ایرلندی درباره تبعید و مهاجرت، به بیان داستان‌هایی از هویت فراموشی می‌پردازند. مضامین مهاجرت و تبعید، که از دیرباز در کانون آثار ادبی و نمایشی ایرلند قرار داشتند، پیش از رواج «گفتمان دیاسپورا» در عرصه ارتباطات جهانی، الهام‌بخش آثار متعددی درباره پیچیدگی‌های جابه‌جایی بودند. برخی اشعار ایرلندی به‌مثابه کنشی سیاسی، به نقد مهاجرت ایرلندی و تبیین مرزهای دیاسپورای تاریخی ایرلند می‌پردازند. این آثار، ضمن یادآوری گذشته‌های تراژدیک، پیامدهای عمیق سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی دیاسپورا را به تصویر می‌کشند و بر پیچیدگی‌ها، تنش‌ها و ظرفیت‌های مردمانی که در جستجوی مفهوم خانه، پیوسته در حرکت‌اند گواهی می‌دهند [۲۵]. در مطالعات جامعه ایرلندی-آمریکایی، تجربه این گروه به‌عنوان یکی از مهم‌ترین فصول تاریخ دیاسپورا در سطح جهانی مطرح می‌شود. سکونت قریب به نیمی از ۷۰ میلیون ایرلندی مقیم خارج در ایالات متحده، به تقویت



روایت‌هایی چون «دستانی که آمریکا را ساختند» انجامیده است.

۱-۴-۴. تأثیر رسانه‌ها بر شکل‌گیری هویت در جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی ایرلندی

مهاجرت ایرلندی‌ها پدیده‌ای چندوجهی و چندنسلی بوده که تجربه آن در هر کشور میزبان و نسل متفاوت است [۲۶]. پیچیدگی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی دیاسپورای ایرلندی، تعریف دقیق آن را دشوار می‌سازد، اما این تنوع به معنای تضعیف هویت فراملی ایرلندی نیست. روزنامه‌نگاری دیاسپوریک با هدایت توجه مخاطبان به مسائل خاص، در شکل‌گیری هویت نقش دارد و برخلاف تفاوت‌های منطقه‌ای، الگوهای مشترکی در بازنمایی رویدادها دیده می‌شود. نمونه بارز این موضوع را می‌توان در تفاوت‌های ظریف منطقه‌ای در یادآوری قیام ۱۹۱۶ و نحوه بازنمایی جشن صدسالگی آن در رسانه‌های جوامع دور از وطن مشاهده کرد که نشان‌دهنده فراروی این رویداد از مرزهای ملی است. امروزه تخیل و تصور، به‌ویژه برای افرادی که مهاجرت کرده‌اند، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت‌شان دارد. این افراد از رسانه‌هایی مانند تلویزیون، رادیو و اینترنت استفاده می‌کنند تا هویت خود را در زندگی روزمره بسازند. چه بخواهند به کشور خود بازگردند، به جای دیگری مهاجرت کنند، یا در کشور جدید بمانند، همگی از رسانه‌ها برای برنامه‌ریزی و شکل دادن به هویت‌شان بهره می‌برند [۹]. گاهی ممکن است، برخی از مخاطبان رسانه‌ها به نسخه‌های قدیمی‌تر هویت ملی خود بچسبند و مرزهای آن را حفظ کنند، در حالی که دیگران ممکن است در حال تطبیق با فرهنگ‌های جدید باشند. برای مثال، برخی مهاجران ممکن است کشور میزبان را تهدیدی برای هویت فرهنگی خود بدانند و تلاش کرده تا هویت خود را حفظ کنند.

هویت فرهنگی دیاسپورای ایرلندی پدیده‌ای پویا و در حال تحول است که از تعامل فرهنگ‌های سرزمین مادری و میزبان شکل می‌گیرد. این هویت هیبریدی از طریق رسانه‌ها پیوسته در حال بازسازی بوده و وجه مشترک تمامی جوامع دیاسپورا، حفظ ارتباط با «خانه» است. رسانه‌های دیاسپوریک با تولید عناصر فرهنگی مانند اسطوره‌های برادری، تاریخ مشترک و زبان، نقشی کلیدی در شکل‌گیری هویت ایفا می‌کنند [۲۶]. این رسانه‌ها با ایجاد جریان‌های فرهنگی فراملی، پلی میان سرزمین مادری و جوامع مهاجر ساخته و به تقویت حس تعلق کمک می‌کنند.

در عصر دیجیتال، هویت مهاجران صرفاً در مکان‌های فیزیکی شکل نمی‌گیرد، بلکه در فضاهای مجازی نیز ساخته و بازتعریف می‌شود [۹]. شبکه‌های اجتماعی و وبسایت‌های فرهنگی به بستری برای تعامل و تقویت هویت جمعی تبدیل شده‌اند. سازمان‌های خبری دیجیتالی ایرلندی با تأمین نیازهای اطلاعاتی-فرهنگی این جوامع، نقش مهمی در حفظ و تقویت پیوندهای فرهنگی ایفا می‌کنند. این پویایی مستمر هویت دیاسپوریک نشان می‌دهد که چگونه جوامع مهاجر می‌توانند ضمن حفظ ارتباط با ریشه‌های فرهنگی خود، با شرایط جدید سازگار شوند و هویتی چندبعدی و غنی را شکل دهند که بازتاب‌دهنده تجربه منحصر به فرد زندگی در میان فرهنگ‌هاست.

۴-۲-۴. خط‌مشی‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی ایرلند

تا آخرین سال‌های قرن بیستم، دولت‌های ایرلند در بهترین حالت نسبت به جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی ایرلندی بی‌تفاوت بودند. تلاش‌هایی برای مقابله با مهاجرت در دهه ۱۹۵۰ مانند گزارش کمیسیون مهاجرت صورت گرفت. اما در سال ۱۹۸۴، کمیته شبکه نظارت مستقل بر پذیرش مستقیم^۱ پیشگام برنامه حمایت از مهاجران (ESP)^۲، برای کمک به مهاجران ایرلندی در بریتانیا که نیازهای رفاهی‌شان به رسمیت شناخته شده بود، تأسیس شد. پیش از این، نهاد اصلی حمایت از مهاجران ایرلندی در مقاصد اصلی سکونت، کلیسای کاتولیک بود. با این حال، پس از موج مهاجرت دهه ۱۹۸۰، سازمان‌های غیرمذهبی بسیاری در جوامع دور از وطن (دیاسپورا) تأسیس شدند تا از مهاجران ایرلندی و فرزندان آن‌ها حمایت کرده و مشاوره دهند [۲۴].

در دو دهه گذشته «ایرلندی‌های خارج از کشور» عملاً به «دیاسپورای ایرلندی» تبدیل شدند، که یک تغییر واژگانی و مفهومی مهم بود که

1. Direct Provision Independent Oversight Network
2. Emerging Support Program

توسط کارها و سخنان رئیس‌جمهورهای ایرلندی، مری رایبِنسون و مری مک‌آلیس تشویق شد. در سال ۱۹۹۵، رایبِنسون فرهنگی حمایتی را معرفی کرد که جوامع ایرلندی‌های سراسر جهان را در بر می‌گرفت و ارتباط بین شهروندان ساکن داخل کشور و خارج از آن را تقویت می‌کرد. او اعلام کرد که زمان آن رسیده که ایرلند به جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی خود اهمیت دهد و از آسیب روانی غیرقابل انکار مهاجرت اجباری که بخش مرکزی تاریخ ایرلند بود، فراتر رود. یک سال بعد، در سخنرانی خود در شورای روابط خارجی شیکاگو، رایبِنسون مجدداً بر این باور خود تأکید کرد که «الگوی دردناک مهاجرت به‌طور متناقضی به یک منبع پویا تبدیل شده که باید در یک حس مدرن (یعنی گسترده‌تر) از ایرلندی بودن گنجانده شود»، فراتر از مرزهای جغرافیایی. این سخنرانی، که به ماده (۲) قانون اساسی ایرلند اشاره داشت، دعوتی برای نگاهی متفاوت به گذشته ایرلند بود. گذشته‌ای تراژدیک که منحصر به ایرلندی‌ها نبود و در نهایت (و حتی به شکلی متناقض) به اقتصاد شکوفایی کشور در سال‌های رونق اقتصادی بهره‌های سلتی^۱ کمک کرد. رئیس‌جمهور مک‌آلیس نیز به همان اندازه در محبوب‌سازی مفهوم «خانواده جهانی ایرلندی» به‌عنوان یک «منبع» و «قدرت» تأثیرگذار بود که به ایرلند اجازه می‌دهد خود را به‌طور مؤثر بازآفرینی کند و «چیزی خیالی را به واقعیت تبدیل کند» [۲۵]. در سال ۲۰۰۹، اولین انجمن جهانی اقتصادی ایرلندی‌ها^۲ در دوبلین برگزار شد و نخست‌وزیر در آن شرکت کرد. اعضای این انجمن توسط وزارت امور خارجه دعوت شدند. از آن زمان تاکنون، هر دو سال یک‌بار نشست‌های انجمن اقتصادی برگزار شده است. این اولین نشست در زمینه بحران مالی سال ۲۰۰۸ و آغاز دوران بهبود ایرلند تحت شرایط اتحادیه اروپا برگزار شد. این انجمن با هدف بررسی چگونگی همکاری ایرلندی‌ها در داخل و خارج از کشور برای کمک به بهبود اقتصاد ایرلند و بررسی راه‌هایی که ایرلند و جامعه جهانی آن می‌توانند رابطه‌ای استراتژیک‌تر با یکدیگر داشته باشند، به‌ویژه در بخش اقتصادی، برگزار شد. دولت ایرلند اولین مجمع جهانی اقتصاد ایرلند را یک موفقیت بزرگ ارزیابی کرد [۲۴].

شبکه جهانی ایرلندی‌ها^۳ در سال ۲۰۱۰ به‌عنوان نتیجه مستقیم توصیه‌های اولین مجمع جهانی اقتصاد ایرلندی ایجاد شد. این شبکه اکنون شامل بیش از ۳۵۰ نفر از افراد تجاری ایرلندی و مرتبط با ایرلند بوده که در ۴۰ کشور مستقر است و سه هدف دارد: فراهم کردن زمینه‌ای برای کمک به دولت و سازمان‌های دولتی برای ترویج پیام‌های اقتصادی، فرهنگی و گردشگری ایرلند در بازارهای کلیدی؛ فراهم کردن یک انجمن که از طریق آن افراد موفق تجاری و فرهنگی ایرلندی مقیم خارج می‌توانند با یکدیگر تعامل داشته باشند، دیدگاه‌های خود را تبادل کنند و از تحولات محوری در خط‌مشی‌های دولت مطلع شوند؛ و فراهم کردن یک انجمن که از طریق آن اعضا می‌توانند پیشنهاد‌های خود را مطرح کرده و ابتکارات عملی را اجرا کنند. اعضای این شبکه به جلسات مجمع جهانی اقتصاد ایرلندی دعوت می‌شوند.

۱. ببر سلتی (Celtic Tiger) اصطلاحی است که به دور‌های از رشد اقتصادی سریع در ایرلند بین اواسط دهه ۱۹۹۰ و اوایل دهه ۲۰۰۰ اشاره دارد. در این دوره، ایرلند از نظر اقتصادی بسیار پیشرفت کرد و به یکی از سریع‌ترین اقتصادهای در حال رشد در اروپا تبدیل شد. این اصطلاح به شباهت این رشد اقتصادی سریع به «ببرهای آسیایی» اشاره دارد. با این حال، پس از این دوران، ایرلند با بحران اقتصادی و سیاست‌های ریاضتی مواجه شد.

2. Global Irish Economic Forum
3. Global Irish Network

شکل ۱۱. نقشه جهانی از جامعه جهانی ایرلندی [۲۴]



باور این که ایرلند هنوز با مشکلاتی از گذشته مواجه است یا به‌عنوان یک کشور پیشرفته با خطراتی از مشکلات جهان سوم شناخته می‌شود، باعث بحث‌هایی شد که به بازنگری در مهاجرت ایرلندی‌ها و تاریخ جنجالی آن در یک چارچوب جهانی‌تر منجر شد. این تغییر نگرش به تأسیس یک وزارتخانه جدید در سال ۲۰۱۴ و راه‌اندازی استراتژی جهانی برای جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی ایرلندی منجر شده است [۲۵].

با این حال، در سال ۲۰۱۴، ایرلند برای اولین بار یک وزیر امور جوامع دور از وطن منصوب کرد. واحد ایرلندی‌های مقیم خارج که در وزارت امور خارجه مستقر است، برنامه حمایت از مهاجران را در همکاری با سفارت‌ها و کنسولگری‌های ایرلند در خارج از کشور مدیریت و هماهنگ می‌کند. برنامه حمایت از مهاجران پروژه‌هایی را که به جشن گرفتن، حفظ و تقویت ارتباطات بین ایرلند و ایرلندی‌های مقیم خارج پرداخته تأمین مالی می‌کند و نیازهای متنوع و در حال تغییر مهاجران ایرلندی، به ویژه سالمندان، افراد محروم و آسیب‌پذیر را مورد توجه قرار می‌دهد [۲۴]. شبکه جهانی ایرلندی‌ها توسط سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایرلند معرفی و توسط وزیر امور خارجه و تجارت منصوب می‌شوند. گروه مشورتی این شبکه از سال ۲۰۱۲ برای پیگیری نتایج مجمع جهانی اقتصاد ایرلند و هماهنگی برنامه‌های شبکه آغاز به کار کرد. در سال ۲۰۱۵، اولین انجمن مدنی جهانی ایرلندی‌ها در دوبلین با حضور نمایندگان ۱۴۰ سازمان از ۱۷ کشور برگزار شد تا چالش‌های ایرلندی‌های مقیم خارج را بررسی کند. انجمن بعدی در سال ۲۰۱۷ با گنجاندن موضوع حقوق رأی شهروندان مقیم خارج برگزار شد. شبکه دیپلماتیک ایرلند شامل ۶۳ سفارت، ۱۰ کنسولگری عمومی و تعدادی کنسول افتخاری است که در مجموع شامل ۸۰ نمایندگی می‌شود. در سال ۲۰۱۸، برنامه گسترش این شبکه با افتتاح چهار سفارت و سه کنسولگری جدید اعلام شد. دولت ایرلند در سال ۲۰۲۰، استراتژی جدیدی برای جوامع دور از وطن (دیاسپورا) برای دوره ۲۰۲۵-۲۰۲۰ تصویب کرده که مشخص می‌کند دولت در پنج سال آینده چه اقداماتی برای حمایت و تعامل با جوامع دور از وطن خود در سراسر جهان انجام خواهد داد. این استراتژی

تعریفی گسترده و فراگیر از جوامع دور از وطن (دیاسپورا) ارائه می‌دهد که تنوع جامعه جهانی ایرلند را امروزه به نمایش می‌گذارد. همچنین منعکس‌کننده اولویت‌های برنامه دولت است و بر حمایت از اعضای آسیب‌پذیر جوامع دور از وطن، تسهیل مشارکت ایرلندی‌های مقیم خارج در انتخابات ریاست‌جمهوری، ایجاد مسیرهای قانونی مهاجرت به آمریکا و رفع موانع برای مهاجران بازگشتی تمرکز دارد. حدود ۷۰ میلیون نفر در سراسر جهان ایرلندی یا از تبار ایرلندی هستند و این برنامه همه‌کسانی که وابستگی خاصی به ایرلند دارند را گرامی می‌دارد، پیوند ایرلندی‌ها با یکدیگر را تقویت می‌کند و در عین حال راه‌هایی را که دولت باید برای حمایت از ایرلندی‌های مقیم خارج در نظر بگیرد، مشخص می‌کند [۳۲].

۳-۴. خط‌مشی‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا) بی ایرلند؛ استراتژی ۲۰۲۰-۲۰۲۵

رویکرد دولت ایرلند به دیاسپورای خود در دو دهه اخیر از یک رویکرد حمایتی پراکنده به یک استراتژی جامع و نهادینه‌شده تحول یافته و با سخنرانی‌های مری رایبسون، رئیس‌جمهور وقت، در دهه ۱۹۹۰ آغاز شد که بر لزوم بازتعریف «ایرلندی بودن» فراتر از مرزهای جغرافیایی تأکید داشت. نقطه اوج این رویکرد «استراتژی دیاسپورا برای دوره ۲۰۲۰-۲۰۲۵» است که توسط دولت ایرلند منتشر شد و چارچوب تعامل دولت با جامعه جهانی ایرلندی را مشخص می‌کند.

۱. **تعریف دیاسپورا و اهداف کلان:** استراتژی جدید، تعریفی گسترده و فراگیر از دیاسپورای ایرلندی ارائه می‌دهد که نه تنها شامل مهاجران ایرلندی، بلکه تمام کسانی که از تبار ایرلندی هستند یا وابستگی خاصی به ایرلند دارند را در بر می‌گیرد. اهداف اصلی این استراتژی بر حمایت، تعامل و تقویت پیوندها متمرکز و در سه ستون اصلی سازماندهی شده است:

- **مردم ما:** ۱ تمرکز بر حمایت از شهروندان ایرلندی در خارج از کشور، به‌ویژه افراد آسیب‌پذیر و سالمندان؛
- **ارزش‌های ما:** ۲ ترویج فرهنگ و ارزش‌های ایرلندی در سطح جهانی و تقویت هویت مشترک؛
- **شکوفایی ما:** ۳ بهره‌گیری از ظرفیت‌های دیاسپورا برای توسعه اقتصادی و تقویت شبکه جهانی ایرلند.

۲. **برنامه‌ها و سازوکارهای کلیدی:** دولت ایرلند برای تحقق این اهداف، سازوکارهای مشخصی را طراحی و اجرا کرده است:

• **برنامه حمایت از مهاجران:** ۴ این برنامه که ستون فقرات حمایت مالی دولت از دیاسپوراست، سالانه بودجه قابل توجهی (در سال ۲۰۲۰ حدود ۱۲ میلیون یورو) را به سازمان‌های غیرانتفاعی ایرلندی در سراسر جهان اختصاص می‌دهد. این بودجه صرف ارائه خدمات رفاهی، مشاوره‌ای، فرهنگی و اجتماعی به جوامع ایرلندی می‌شود.

• **نقش وزیر امور دیاسپورا:** از سال ۲۰۱۴، یک وزیر مشخص برای امور دیاسپورا منصوب شده که وظیفه هماهنگی خط‌مشی‌ها و نمایندگی منافع دیاسپورا در سطح دولت را بر عهده دارد. این وزار تخانه تحت نظر وزارت امور خارجه فعالیت می‌کند.

• **شبکه جهانی ایرلندی‌ها:** ۵ این شبکه که در سال ۲۰۱۰ تأسیس شد، متشکل از افراد تأثیرگذار ایرلندی در حوزه‌های تجارت، هنر و علوم در سراسر جهان است. اعضای این شبکه به دولت در پیشبرد منافع اقتصادی و فرهنگی ایرلند مشاوره می‌دهند و به‌عنوان سفیران غیررسمی کشور عمل می‌کنند.

• **انجمن جهانی ایرلند:** ۶ این انجمن که به صورت دوره‌ای برگزار می‌شود، زمینه‌ای برای گردهمایی اعضای شبکه جهانی ایرلندی‌ها و خط‌مشی‌گذاران برای بحث و تبادل نظر پیرامون راهبردهای کلان اقتصادی و فرهنگی است.

۳. **اولویت‌های جدید (۲۰۲۰-۲۰۲۵):** استراتژی جدید بر اولویت‌های نوظهوری تأکید دارد که نشان‌دهنده پویایی خط‌مشی ایرلند است:

• **تعامل دیجیتال:** راه‌اندازی یک هاب دیجیتال جدید برای دیاسپورا^۷ برای تسهیل ارتباطات و ارائه خدمات آنلاین؛

1. Our People
2. Our Values
3. Our Prosperity
4. Emigrant Support Programme (ESP)
5. Global Irish Network
6. Global Irish Forum
7. Global Irish - Ireland's Diaspora Engagement Hub



- حمایت از مهاجران بازگشتی: تمرکز ویژه بر رفع موانع و ارائه خدمات حمایتی برای ایرلندی‌هایی که قصد بازگشت به کشور را دارند؛
 - مشارکت سیاسی: پیگیری اقدامات لازم برای فراهم کردن امکان مشارکت ایرلندی‌های مقیم خارج در انتخابات ریاست جمهوری؛
 - نسل‌های جدید: طراحی برنامه‌هایی برای جذب و تعامل با نسل‌های جوان‌تر دیاسپورا که ارتباط مستقیم کم‌تری با ایرلند دارند [۲۸].
- در جدول زیر، اقدامات و خط‌مشی‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا) بی ایرلند با رعایت ترتیب زمانی مرتب و ارائه شده است:

جدول ۷. اقدامات و خط‌مشی‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا) بی ایرلند به ترتیب زمانی

شماره	سال	سیاست/اقدام	توضیح
۱	۱۹۸۴	برنامه حمایت از مهاجران (ESP)	این برنامه برای کمک به مهاجران ایرلندی در بریتانیا و رفع نیازهای رفاهی آن‌ها تأسیس شد.
۲	۱۹۹۰	انتخاب اولین رئیس‌جمهور زن (مری رایینسون)	مری رایینسون تلاش کرد مفهوم ایرلندی بودن را بازتعریف کرده و اهمیت جوامع دور از وطن (دیاسپورا) ی ایرلندی را در رشد کشور تأکید کند.
۳	۱۹۹۵	سخنرانی «پاسداشت جوامع دور از وطن (دیاسپورا) ی ایرلندی» توسط مری رایینسون	این سخنرانی بر اهمیت جوامع دور از وطن (دیاسپورا) برای ایرلند و لزوم تقویت ارتباطات با جوامع ایرلندی خارج از کشور تأکید داشت.
۴	۲۰۰۹	برگزاری اولین انجمن جهانی اقتصادی ایرلندی‌ها (GIEF)	این انجمن با هدف بررسی همکاری‌های اقتصادی بین ایرلندی‌ها در داخل و خارج از کشور و کمک به بهبود اقتصادی ایرلند برگزار شد.
۵	۲۰۱۰	ایجاد شبکه جهانی ایرلندی‌ها (GIN)	این شبکه برای ترویج پیام‌های اقتصادی، فرهنگی و گردشگری ایرلند در بازارهای کلیدی و تقویت ارتباطات بین افراد موفق ایرلندی ایجاد شد.
۶	۲۰۱۴	تأسیس وزارت امور جوامع دور از وطن (دیاسپورا)	ایرلند برای اولین بار یک وزیر امور جوامع دور از وطن (دیاسپورا) منصوب کرده و وظیفه انتقال دیدگاه‌های ایرلندی‌های مقیم خارج به دولت را برعهده داشت.
۷	۲۰۱۵	برگزاری اولین انجمن مدنی جهانی ایرلندی‌ها (GICF)	این انجمن به منظور بحث و بررسی چالش‌های پیش روی ایرلندی‌های مقیم خارج و تعامل با نمایندگان سازمان‌های گوناگون جوامع دور از وطن (دیاسپورا) برگزار شد.
۸	۲۰۱۶	اتصاب اولین نماینده مهاجران در سنای ایرلند	بیلی لاولس، یک ایرلندی مقیم شیکاگو، به‌عنوان اولین مهاجر به عضویت سنای ایرلند درآمد.
۹	۲۰۱۸	گسترش نمایندگی‌های دیپلماتیک ایرلند	ایرلند اعلام کرد که هفت نمایندگی جدید، مانند سفارت‌ها و کنسولگری‌ها را افتتاح خواهد کرد.
۱۰	۲۰۲۰	استراتژی جوامع دور از وطن (دیاسپورا) ی ۲۰۲۵-۲۰۲۰	این استراتژی با هدف حمایت از جوامع دور از وطن (دیاسپورا) ی ایرلندی و تقویت ارتباطات با آن‌ها تدوین شده و شامل مواردی مانند تسهیل مشارکت در انتخابات، ایجاد مسیرهای مهاجرت قانونی و رفع موانع مهاجران بازگشتی است.

مآخذ: همان.

۵. جمع‌بندی و پیشنهادها

مطالعه تطبیقی حاضر نشان می‌دهد کشورهای هدف با تحول در پارادایم‌های حکمرانی خود در قبال جوامع دیاسپورا، موفق به طراحی نظام‌های سیاستی کارآمدی شده‌اند. این کشورها از طریق نهادسازی‌های راهبردی مانند تأسیس وزارتخانه‌های تخصصی (در هند و ایرلند)، تدوین قوانین جامع (در کره جنوبی) و ایجاد کمیسیون‌های عالی‌رتبه (در چین)، چارچوب‌های نهادی منسجمی را برای تعامل با جوامع دیاسپورایی خود ایجاد کرده‌اند.

نکته کلیدی در موفقیت این کشورها، گذار از رویکردهای تهدیدمحور به رویکردهای فرصت‌مدار بوده است. این تغییر پارادایم در این کشورها، همراه با طراحی استراتژی‌های چندوجهی در حوزه‌های اقتصادی (مانند جذب سرمایه و تخصص)، سیاسی (مانند بهره‌گیری از ظرفیت‌های لابی‌گری) و فرهنگی (مانند تقویت پیوندهای هویتی)، به بهره‌برداری مؤثر از ظرفیت‌های دیاسپورا منجر شده است.

جدول ۸. جمع‌بندی اقدامات کشورهای بررسی شده در خصوص جوامع دور از وطن

کشور	ایده‌ها و رهیافت‌ها
هند	تعامل فعالانه با جوامع هندی‌های مقیم خارج (از سال ۱۹۸۵ به بعد)
	تشکیل وزارت امور هندی‌های خارج از کشور برای مدیریت مسائل مربوط به دیاسپورا
	ایجاد کمیته عالی جوامع دور از وطن هندی برای ارزیابی و بهبود تعاملات
	خطمشی‌های حمایت از لابی‌گری هندی‌ها در کشورهای مقصد مانند آمریکا
	تأسیس مراکز تسهیل سرمایه‌گذاری و مشارکت اقتصادی هندی‌های مقیم خارج
	مشارکت در لابی‌گری برای رفع تحریم‌های اقتصادی و بهبود روابط بین‌المللی
	تأسیس برنامه‌های کارآموزی برای دانشجویان هندی در مجالس قانونگذاری کشورهای خارجی
	تعامل فعالانه با جوامع چینی‌های مقیم خارج (از اواخر دهه ۱۹۷۰ به بعد)
چین	تأسیس کمیسیون امور چینی‌های خارج از کشور برای مدیریت مسائل دیاسپورا
	احیای فدراسیون کل چین برای بازگشت‌کنندگان چینی و تقویت روابط با جامعه دیاسپورا
	خطمشی‌های حمایت از لابی‌گری دیاسپورا چینی در کشورهای میزبان برای تقویت روابط تجاری و فرهنگی
	ایجاد مؤسسات کنفوسیوس برای ترویج زبان و فرهنگ چینی در جوامع خارج از کشور
	برنامه هزار استعداد برای جذب نخبگان چینی و متخصصین از کشورهای خارجی
	حمایت‌های ویژه از چینی‌های مقیم خارج در شرایط بحرانی از طریق تخلیه آن‌ها در مواقع اضطراری
	تسهیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از سوی دیاسپورا چینی برای توسعه اقتصادی و مدرن‌سازی کشور
	تقویت روابط بین‌المللی از طریق دیپلماسی عمومی و استفاده از دیاسپورا چینی به‌عنوان سفیران فرهنگی و اقتصادی در کشورهای میزبان



کشور	ایده‌ها و رهیافت‌ها
کره جنوبی	تعامل فعالانه با جوامع کره‌ای‌های مقیم خارج (از دهه ۱۹۹۰ به بعد)
	تأسیس بنیاد کره‌ای‌های خارج از کشور (OKF) تحت نظارت وزارت امور خارجه برای حمایت از کره‌ای‌های مقیم خارج
	ختمش‌های تشویقی برای بازگشت دانشجویان و نخبگان کره‌ای تحصیل کرده در خارج از کشور به‌عنوان قهرمانان ملی و منابع توسعه
	تصویب قانون کره‌ای‌های خارج از کشور در سال ۱۹۹۹ برای ادغام کره‌ای‌های خارج از کشور در جامعه کره جنوبی و تقویت اقتصاد
	استفاده از جوامع دیاسپورا کره‌ای برای تسهیل تجارت دوجانبه و افزایش صادرات و واردات بین کره جنوبی و کشورهای میزبان
	تأسیس روابط تجاری با کشورهای دیگر از طریق حمایت و استفاده از شبکه‌های دیاسپورا کره‌ای در چین و روسیه
ایرلند	تعامل فعالانه با جوامع ایرلندی‌های مقیم خارج (از سال ۱۹۸۴ به بعد)
	تشکیل کمیته شبکه نظارت مستقل و پیشگامی برنامه حمایت از مهاجران (ESP) برای حمایت از مهاجران ایرلندی در بریتانیا
	تأسیس وزارت امور جوامع دور از وطن (دیاسپورا) در سال ۲۰۱۴ برای مدیریت مسائل دیاسپورا ایرلندی
	برگزاری اولین انجمن جهانی اقتصادی ایرلندی‌ها (GIEF) در سال ۲۰۰۹ برای همکاری با جوامع دور از وطن در بهبود اقتصادی ایرلند
	تأسیس شبکه جهانی ایرلندی‌ها (GIN) در سال ۲۰۱۰ برای تقویت روابط اقتصادی و فرهنگی بین ایرلندی‌های مقیم خارج و دولت ایرلند
	اجرای استراتژی جدید برای جوامع دور از وطن (دیاسپورا) برای دوره ۲۰۲۰-۲۰۲۵
	تسهیل مشارکت ایرلندی‌های مقیم خارج در انتخابات و رفع موانع برای مهاجران بازگشتی
	همکاری با رسانه‌ها و تأثیرگذاری آن‌ها بر تقویت هویت فرهنگی ایرلندی در میان جوامع دور از وطن

مآخذ: همان.

مبتنی بر بررسی تجربیات جهانی در حوزه نسبت جمعیت دیاسپورا و حکمرانی، جمهوری اسلامی ایران نیز می‌تواند با الگوبرداری از این تجارب موفق و با توجه به اقتضائات خاص خود، به طراحی و پیاده‌سازی نظام سیاستی منسجمی در این حوزه اقدام کند. در این مسیر، تدوین قوانین جامع، ایجاد ساختارهای نهادی کارآمد و تعریف سازوکارهای تعاملی پایدار می‌تواند راهگشا باشد. در این راستا، با استفاده از تجربیات کشورهای ذکر شده پیشنهادهایی ناظر به ایران آورده می‌شود.

اهمیت تحلیل تطبیقی در چند بعد قابل بررسی است:

اول، درک علل موفقیت برخی کشورها و شکست سایر کشورها در تعامل مؤثر با جوامع دیاسپورا خود؛

دوم، شناسایی الگوهای کارآمد خط‌مشی‌گذاری که در بافت‌های فرهنگی و سیاسی گوناگون قابل اعمال هستند؛

سوم، درک نحوه پیاده‌سازی و عملیاتی‌سازی خط‌مشی‌ها در موقعیت‌های متنوع جغرافیایی و سیاسی؛

چهارم، ایجاد انگیزه و اطمینان از امکان‌پذیری تحقق این خط‌مشی‌ها از طریق مشاهده نمونه‌های موفق بین‌المللی.

در نتیجه موفقیت در تعامل با دیاسپورا، نه تنها به داشتن ایده کلی بلکه به جزئیات اجرایی و نحوه عملی کردن برنامه‌ها بستگی دارد. این

واقعیت اهمیت بررسی دقیق تجربیات بین‌المللی و استخراج درس‌های عملی از آن‌ها را دوچندان می‌کند. بر این اساس، پیشنهادهای زیر با

بهره‌گیری از تجربیات کشورهای موفق ارائه می‌شود.

• تدوین قوانین پشتیبان برای تعامل با جوامع دور از وطن (دیاسپورا)

خلاً وجود قانونی یکپارچه و مدون در خصوص جامعه ایرانیان خارج از کشور، که در آن چارچوب تمام فعالیت‌های تعامل با جامعه ایرانیان خارج از کشور، از جمله برنامه‌های فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی ذکر شده باشد، به چشم می‌خورد. اگرچه در ایران، در برنامه‌های توسعه‌ای و سیاست‌های کلی نظام، به جمعیت‌های خارج از کشور نیز اشاره شده، اما آنچه در این قوانین آمده، بسیار کلی بوده و فاقد صراحت لازم و جزئیات عملیاتی در خصوص تعامل با جامعه ایرانیان خارج از کشور است. آنچه در کشورهای دیگر دیده شد، این بود که با روند جهانی مهاجرت، تمایل به تعامل با جوامع دور از وطن افزایش یافته و به وضوح از انواع برنامه‌ها برای جلب اعتماد و استفاده از ظرفیت جوامع خارج‌نشین خود در حوزه‌های گوناگون می‌کنند. آن‌ها با تدوین خط‌مشی‌های جذب سرمایه و دانش، ایجاد مناطق ویژه اقتصادی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا) (در چین) و همچنین جدی گرفتن نقش جوامع دور از وطن (دیاسپورا) در توسعه کشور و حفظ هویت فرهنگی کشورشان، به توسعه استراتژی خود در تعامل با جامعه جوامع دور از وطن پرداختند. در زیر، مواردی که بهتر است در این قانون جامع برای تعامل بهتر با جامعه جوامع دور از وطن (دیاسپورا) به آن پرداخته شود ذکر خواهد شد:

الف) توسعه حمایت و گسترش مراکز فرهنگی جوامع دور از وطن (دیاسپورا)

آنچه در ایرلند اتفاق افتاد، تحرک واحد ایرلندی‌های خارج از کشور بود که با برنامه حمایت از مهاجران، پروژه‌هایی را که به جشن گرفتن، حفظ و تقویت ارتباطات بین ایرلند و ایرلندی‌های مقیم خارج پرداخته و نیازهای متنوع و در حال تغییر مهاجران ایرلندی، به ویژه سالمندان، افراد محروم و آسیب‌پذیر را مورد توجه قرار می‌داد، تأمین مالی می‌کرد. در خارج از ایران نیز، این مراکز می‌توانند با حمایت دولت، محلی برای تجمع و برگزاری رویدادهای فرهنگی، هنری و آموزشی باشند که فرهنگ ایرانی را حفظ، ترویج و تقویت می‌کنند. نوع فعالیت این مراکز بهتر است به گونه‌ای باشد که در همه کشورهای هابی که ایران در آن کنسولگری دارد، برای برگزاری رویدادهای فرهنگی، برای پاسداشت فرهنگ و هویت ایرانی اقدام کند.

ب) توجه به اصل تنوع و بهره‌گیری از ظرفیت‌های گرایش‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی در مراکز دیپلماتیک ایران

برخی از پیشنهادها ارائه شده بر اساس الگوهای مستقیم و مشخص از تجربیات بین‌المللی استخراج شده‌اند، این پیشنهادها ترکیبی از الهام‌گیری از تجربیات موفق جهانی و تطبیق آن‌ها با شرایط خاص ایران است. در صورت توجه به اصل تنوع و بهره‌گیری از ظرفیت‌های گرایش‌های گوناگون سیاسی و اجتماعی در مراکز دیپلماتیک ایران، بی‌شک شاهد تعامل قوی و سازنده مراکز دیپلماتیک جمهوری اسلامی ایران با ایرانیان خارج از کشور خواهیم بود. سازوکارها و رویکردهای مورد استفاده در چارچوب قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قابل تعریف است.

ج) بازتعریف ارزش‌های مشترک ایرانیان در سراسر جهان

باید به دنبال تعریف و ترویج ارزش‌هایی بود که ایرانیان سراسر دنیا با وجود تمام اختلاف عقاید در ذیل این ارزش‌ها بتوانند جای بگیرند؛ بدین ترتیب که هر ایرانی هویت خود را در این ارزش‌ها بیابد. این ارزش‌ها بهتر است مبتنی بر اصل شمول و فراگیری تعریف شوند. به نظر می‌رسد با بازتعریف این ارزش‌ها تعامل گسترده‌تر و عمیق‌تری بین ایرانیان صورت گیرد و زمینه وحدت و انسجام بیش از گذشته فراهم شود. مطابق با تجربیات فرهنگی ایرلند، در میان جوامع دور از وطن (دیاسپورا)ی ایرلندی، با وجود فرهنگ‌های متفاوت، یک حس کلی از همبستگی و هویت مشترک در میان جمعیت‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا) وجود دارد که نشان می‌دهد آن‌ها توانسته‌اند ارزش‌های مشترک هویتی را در میان خود بیابند.

د) حمایت از رسانه‌های جوامع دور از وطن (دیاسپورا)

در کنار پیشنهادهایی که مبتنی بر الگوهای مشخص و مستقیم از تجربیات بین‌المللی هستند، برخی موارد نیز وجود دارند که از ضرورت‌های منطقی حوزه دیاسپورا نشئت می‌گیرند. این پیشنهادها بر اساس تحلیل نیازهای عمومی تعامل با دیاسپورا شکل گرفته‌اند. بنابراین ایران



می‌تواند سازو کاری برای حمایت از رسانه‌های جوامع دور از وطن تصویب کند. این سازو کار می‌تواند شامل حمایت مالی و قانونی از رسانه‌های ایرانیان مقیم خارج باشد که به ترویج گفتمان، فرهنگ، زبان و هویت ایرانی کمک می‌کند. همچنین رسانه‌ها می‌توانند نقش مهمی در حفظ ارتباط فرهنگی و اجتماعی جوامع دور از وطن (دیاسپورا) با ایران ایفا کنند.

• ایجاد مشوق‌های قوی برای سرمایه‌گذاری ایرانیان خارج از کشور در ایران و تضمین سرمایه

ایران می‌تواند قوانین خود را برای تسهیل سرمایه‌گذاری جوامع دور از وطن اصلاح کند. این قوانین می‌توانند شامل مشوق‌های مالیاتی، تسهیلات ویژه بانکی و حمایت قانونی از سرمایه‌گذاری‌های جوامع دور از وطن ایرانی در بخش‌های کلیدی اقتصاد باشد. این اقدام می‌تواند به جذب سرمایه‌های خارجی و متخصصین ایرانی خارج از کشور کمک کند و نقش جوامع دور از وطن را در توسعه اقتصادی کشور تقویت کند- مانند آنچه در هند و چین اتفاق افتاد- در کنار این مشوق‌ها، نکته مهم این است که ایران بتواند سرمایه ایرانیان خارج از کشور که در ایران سرمایه‌گذاری می‌کنند را در شرایط سیاسی و اجتماعی و اقتصادی گوناگون، تضمین کند.

• ارتقای سازوکارهای مشارکت‌دهی ایرانیان خارج از کشور در فرایندهای تقنینی

با توجه به جمعیت بالای ایرانیان خارج از کشور (حدود ۵ میلیون نفر مطابق آخرین آمار رسمی منتشر شده [۲۹]، [۳۰] و بالای ۸ میلیون نفر در آمارهای غیررسمی [۳۱])، پیشنهاد می‌شود این افراد در مجلس شورای اسلامی سازوکارهایی برای نقش‌آفرینی داشته باشند. این نقش‌آفرینی می‌تواند در قالب‌های مستقیم و در چارچوب ظرفیت‌های اصل (۶۴) قانون اساسی باشد. کنشگری ایرانیان خارج از کشور می‌تواند در انتخاب نمایندگان اثربخش‌تر شود و هم می‌تواند در قالب‌های غیرمستقیم، سازوکارهای مشاوره سیاستی ایرانیان خارج از کشور در فرایندهای تقنینی توسعه یابد.

• تسهیل مشارکت جوامع دور از وطن (دیاسپورا) در انتخابات

نهادهای مسئول برگزاری انتخابات در کشور می‌توانند با اصلاح سازوکارهای انتخاباتی، مشارکت ایرانیان مقیم خارج را در انتخابات‌های ملی و محلی تسهیل کنند. این اصلاح می‌تواند شامل ایجاد سازوکارهای قانونی برای رأی‌دهی از راه دور (مثلاً رأی‌دهی پستی و الکترونیکی) باشد تا ایرانیان خارج از کشور نیز بتوانند به راحتی در فرایندهای مشارکتی شرکت کنند.

• ضرورت تغییر رویکرد از تهدیدمحوری به فرصت‌مداری

در آخر باید گفت، ایران در حال حاضر با یک جامعه دور از وطن بزرگ و فعال روبه‌روست که می‌تواند با این جمعیت به‌عنوان یک منبع استراتژیک در تعامل باشد. اما هدف اصلی این است که ایران بتواند ضمن اینکه رویکرد واحدی به دور از موازی‌کاری‌های نهادی نسبت به جامعه ایرانیان خارج از کشور داشته باشد، جهت‌گیری فرصت‌مدار را نسبت به رویکردهای تهدیدمدار از تقابلاً بخشد. باید این را در نظر داشت که قدم اول برای میسر شدن هر اقدامی، ابتدا جلب اعتماد جامعه ایرانیان خارج از کشور برای تعامل با جمهوری اسلامی ایران و همچنین، تبدیل نگاه تهدیدمحور به فرصت‌محور به این جامعه است.



- [1] A. K. Mishra, "Diaspora, development and the Indian state," in *China, India and Southeast Asia*, Routledge, 2018, pp. 95–115.
- [2] T. C. Lim and D.-H. Seol, "Explaining South Korea's diaspora engagement policies," *Development and Society*, vol. 47, no. 4, pp. 633–662, 2018.
- [3] F. B. Adamson, "The growing importance of diaspora politics," *Current History*, vol. 115, no. 784, pp. 291–297, 2016.
- [4] D. Naujoks, "India and its diaspora. Changing research and policy paradigms," *National paradigms of migration research*, pp. 269–300, 2010.
- [5] D. Dijkzeul and M. Fauser, "Diaspora Organizations in International Affairs," *Routledge*, 2020.
- [6] P. Gottschlich, "Diasporas and Transnational Communities as Political Actors," 2008, *Citeseer*.
- [7] K. Ibeh, S. Nwankwo, T. Mersha, and V. Sriram, "Palgrave Studies of Entrepreneurship in Africa," 2019.
- [8] R. Cohen, *Global diasporas: An introduction*. Taylor & Francis, 2022.
- [9] D. Dwyer, A.-D. i g Cumarsáid Fheidhmeach, and S. Crosson, "The Role of Irish and Irish-Themed Media in the Formation and Maintenance of Irish Cultural Identity in Britain," *Unpublished PhD diss., University of Galway*, 2023.
- [10] S. Liu, J. Chen, D. Cárdenas, T. Cruwys, and B. Scholz, "Sociocultural Influences on Social Anxiety Among Asian Diasporas in the West: A Systematic Review and Meta-Analysis," *Clinical Psychology: Science and Practice*, 2025, doi: 10.1037/cps0000277.
- [11] Z. Zhuang, M. El Toukhy, J. Krywulak, and C. S. Singh, "Understanding the Role of Converging Media: Shaping Migrant Narratives and the Paradox of Co-Creation in a Digital Era The Working Papers Series is produced jointly by the Toronto Metropolitan Centre for Immigration and Settlement (TMCIS) and the CERC in Migration and Integration www.torontomu.ca/centre-for-immigration-and-settlement www.torontomu.ca/cerc-migration," *Working Papers*, 2025, [Online]. Available: www.torontomu.ca/cerc-migration.
- [12] E. T. G. Anderson, "hindu nationalism in the indian diaspora," *Oxford University Press*, 2024.
- [13] A. D. Singh, "Working with the diaspora for development policy perspectives from India," 2012.

[۱۴] «۱۰ کشور با بیشترین آمار مهاجرت»، دنیای اقتصاد، تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۲۵. [آنلاین]. در دسترس <https://donya-e-reqtesad.com/>

[15] Institute for Cultural Diplomacy, "Chinese Diaspora Across the World: A General Overview," Institute for Cultural Diplomacy.

- [16] I. Martínez-Zarzoso and R. Rudolf, "The trade facilitation impact of the Chinese diaspora," *World Econ*, vol. 43, no. 9, pp. 2411–2436, 2020.
- [17] A. Smart and J.-Y. Hsu, "The Chinese diaspora, foreign investment and economic development in China," *The Review of International Affairs*, vol. 3, no. 4, pp. 544–566, 2004.
- [18] A. Darmawan and S. M. Darmawan, "The Role of the Chinese Diaspora in China's Foreign Policy," *KnE Social Sciences*, pp. 218–229, 2023.
- [19] M. Thunø, "China's new global position: Changing policies toward the Chinese diaspora in the twenty-first century," in *China's rise and the Chinese overseas*, Routledge, 2017, pp. 184–208.
- [۲۰] «بررسی الگوی جمهوری خلق چین در جذب نخبگان خارج از کشور»، دبیرخانه شورای عالی امور ایرانیان خارج از کشور، تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۲۵. [آنلاین]. در دسترس [: https://iranian.mfa.ir/portal/newsview/662613](https://iranian.mfa.ir/portal/newsview/662613)
- [21] W. Sun and H. Yu, "Wechat and the chinese diaspora digital transnationalism in the era of china's rise" Edited by Wanning Sun and Haiqing Yu Media, Culture and Social Change in Asia," *Routledge*, 2022, doi: 10.4324/9781003154754.
- [22] I. Choi, "Korean diaspora in the making: Its current status and impact on the Korean economy," *The Korean diaspora in the world economy*, vol. 9, p. 29, 2003.
- [23] C. Song and T. Lim, "Ideas, Discourse, and the Microfoundations of South Korea's Diasporic Engagement: Explaining the Institutional Embrace of Ethnic Korean Since the 1990s," 2021.
- [24] M. J. Hickman, "Diaspora policies, consular services and social protection for Irish citizens abroad," *Migration and Social Protection in Europe and Beyond (Volume 2) Comparing Consular Services and Diaspora Policies*, pp. 259–272, 2020.
- [25] L. Salis, "Whose Homelands? Facts, Fictions and Questions of the Irish Diaspora. Introduction," *Studi irlandesi. A Journal of Irish Studies*, vol. 9, no. 9, pp. 29–40, 2019.
- [26] N. Kirk, "Remembering Ireland: News flows and 1916 in the transnational mediascape," *European Journal of Cultural Studies*, vol. 23, no. 5, pp. 801–816, 2020.
- [27] D. McCarthy and P. M. as Culture-MED7011, "Building Ireland" s Cultural Identity: Politics, Economics and Diaspora," *MA Music Industries, Popular Music as Culture, MED7011*, 2012.
- [28] government of Ireland, "Global Ireland Ireland's Diaspora Strategy 2020–2025."
- [۲۹] «آمار جدید ایرانیان خارج از کشور»، تابناک، تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۲۵. [آنلاین]. در دسترس: <https://www.tabnak.ir/fa/news/1226770>
- [۳۰] «امیر عبداللهیان: حضور ۵.۲ میلیون ایرانی در کشورهای گوناگون»، عصر ایران، تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۲۵. [آنلاین]. در دسترس: [/https://www.asriran.com/fa/news/907089](https://www.asriran.com/fa/news/907089)
- [۳۱] محمد مهدی دهدار، «تصویر مبهم از آمار ایرانیان خارج از کشور»، موسسه دیاران، تاریخ دسترسی: ۶ سپتامبر ۲۰۲۵. [آنلاین]. در دسترس: <https://diaran.ir/12840>
- [32] <https://www.gov.ie/en/press-release/f9c56-launch-of-diaspora-strategy-2025/>

گزیده سیاستی

ایرانیان خارج از کشور به مثابه ظرفیتی راهبردی در خلق فرصت‌ها و پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی ایران در خارج از مرزها به شمار می‌روند، این گزارش به ارائه تجارب بین‌المللی در بهره‌گیری از جمعیت‌های دور از وطن در کشورهای منتخب و پیشنهادهایی برای نظام حکمرانی ایران پرداخته است.



مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی

تهران، خیابان پاسداران، روبروی پارک نیوران (ضلع جنوبی، پلاک ۸۰۲)

تلفن: ۷۵۱۸۲۰۰۰ | صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۸۵۵ | وبسایت الکترونیک: mrc.majlis.ir

وبسایت: rc.majlis.ir